

آغاز سال تحصیلی در ایران

تحصیل بدون کاغذ و قلم

مشق و تمرین و نوشتن بیاموزند یا هزینه سرسام آور تهیه لوازم التحریر از بازار آزاد را تامین کنند. همچنانکه در اکثریت شماره ۱۲۲ قیمت آزاد برخی اقلام نوشت افزار اعلام شد دانش آموزان مجبورند برای خرید خود کار قلمز بیک حداقل ۱۴۰ ریال بپردازند.

ناتوانی در تهیه کاغذ و نوشت افزار برای رژیم ورشکسته ولایت فقیه که تمامی امکانات راد خدمت جنگ قرار داده است، مقامات مسئول راه چاره اندیشی واداشته است. ابتدا اکر می وزیر آموزش و پرورش اعلام داشت برای ما جنگ در افزوده گشته است. دانش آموزان می بایست بیادون

با فرار رسیدن مهرماه، ۱۱ میلیون دانش آموز سال تحصیلی جدید را آغاز می کنند. در مقابل این دانش آموزان که همچنان با مشکلات دیرین دست به گریبانند مشکلات جدید قدمی افزاوند. خفقان حاکم بر مدارس، کمبود معلم، پائین بودن کیفیت آموزش، توطئه های رنگارنگ برای به چپه کشاندن دانش آموزان، تهیض های آموزشی، کمبود کتاب، تحمیلات و محدودیتهای ویژه دختران دانش آموز و دهها مورد دیگر مسایل دیرینه ای هستند که اکنون در آغاز سال تحصیلی، مشکل نبود نوشت افزار بشکل حادی بر آن افزوده گشته است. دانش آموزان می بایست بیادون



دوشنبه ۲ شهریور ۱۳۶۵ - پرایس ۲۲ سیتمایر ۱۹۸۶
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۲۵

جنگ هفت ساله شد

جنگ هفت ساله شد و خمینی در این زمینه بر هیتلر نیز پیشی گرفته است. این فقیه جنگ طلب، جنگر همواره می خواهد. آیا جنگ، همواره خواهد ماند؟ بیگمان نه! اما چه زمانی پایان خواهد گرفت؟

خمینی و صدام و زره برتن پوشان و مشیر برکف گذارانشان تدارم جنگ را سبب ساز بوده اند. همه این نیروهای شر، در میدان بر آتش جنتی که مردم قربانی آن هستند، متحدند. اما نیروی صلح و زندگی که توانا تر از نیروی جنگ است، متحد شده است. نیروی صلح اگر که متحد شود می تواند جنگ را پایان دهد. نیروی مردم متحد، دشمن جنگ طلب را متکوب خواهد کرد.

نیروهای جنگ طلب همان کرده اند که می باید. آیا همه نیروهای صلح نیز همان کرده اند که می باید؟ تمام نیروهای مترقی و همه شخصیت های میهن پرست ایرانی خواستار صلح هستند. این اشتراک نظر البته دستاورد گرانقدری است. اما آیا ما بازا! آن، که اشتراک عمل آگاهانه در راه صلح است نیز فراهم آمده است؟ نه! بدینگونه، جنگ طلبان فرصت یافته اند، جنگ را هفت ساله کرده و ادامه دهند.

آن کسانی که تنگ نظرانه، از اتحاد در مهارزه برای صلح می گریزند و منافع حقیر فرضی خویش را از برقراری صلح برتر می شمرند و نخواسته اند که نیروی صلح علیه جنگ متحد شود، مسئولیت سنگینی برعهده دارند. آنان چه دارند که برای گریز از اتحاد عمل در راه صلح بگویند؟ اکنون که جنگ هفت ساله شده است، مایکبار دیگر همه نیروهای مترقی ایرانی را که خواهان صلح نیز هستند فراموشی و ظایف انقلابی و ملی خود را در این زمینه دریابند و در راه اتحاد مهارزه مردم در راه صلح به همه وظایف خود عمل کنند. بدینگونه ظلیعه پایان جنگ پدیدار خواهد شد.

خوزستان جنگ زده



می ترسد، جمعیت جنگ زده و آواره، جمعیتی که گرسنه است، جمعیتی که همواره عزادار است. اهواز چهره یک یادگان را به خود گرفته است. قطاری که به اهواز وارد می شود، زنده ها را در خود جاداده است و قطاری که از اهواز خارج می شود، حامل مرده هاست، مرده ها و مجروحین.

بقیه در صفحه ۸

اینجا سوسنگرد است. شهری از شهرهای خوزستان؛ و شهر که نه، ویرانه ای و ماتمکده ای. خرمشهر نیز چنین است، آبادان و شادگان نیز. حتی ویرانه تر و متروکتر. سیمای اندیشک و دزفول نیز این گونه است. اهواز پیر و خسته که جای خود را دارد، تجسم همه دردهای خوزستان است. اینجا و آنجا ویران گشته است، دارد از تراکم جمعیت

در این شماره

● **تابنده باد مشعل رزم فدائیان!**

در صفحه ۶

● **در جشن "اومانیته"**

در صفحه ۱۴

● **خزائن فزلی از مولوی**

در صفحه ۱۱

● **پیرامون بخشنامه جدید "راه کارگر"**

در صفحه ۱۲

زندان "بنیاد عفت" برای زنان معتاد

برای "مقابله" با این بلای هستی سوز زده است. برای تبعید زنان معتاد، زندانی در شهر کرمان ساخته شده و "بنیاد عفت" نامگذاری شده است.

آیت الله موسوی بجنوردی، عضو شورای عالی قضایی در توضیح اینکه این زندان برای چه کسانی ساخته شده است می گوید: "زنانی را که تشخیص دهم دست بردار نیستند و چندین بار سابقه دارند به آنجا تبعید می شوند." (زن روز ۲۲ آبان ۶۴)

وی در پاسخ به این سوال که برای باز پروری زنان معتاد در این مرکز چه اقداماتی انجام می شود، بقیه در صفحه ۲

در سالهای اخیر اعتیاد گسترش بی سابقه ای یافته است. گسترده گی این بلای خانمانسوز بسیاری از زنان ستمدیده میهن ما را نیز به کام خود کشیده است. اکنون زنان، ۱۰ درصد افرادی را تشکیل می دهند که در ارتباط با مصرف مواد مخدر زندانی شده اند. غول اعتیاد، زندگی خانواده های بسیاری را با خطر انهدام روبرو ساخته است. طبق آمار خود رژیم تنها در ماهه آخر سال ۶۲ حداقل روزانه ۱۴ کانون خانوادگی به دلیل اعتیاد شوهر از هم فرو پاشیده است. با چنین ابعاد فاجعه باری، رژیم جمهوری اسلامی دست به ایجاد "بنیاد" دیگری

بقیه از صفحه آخر

کشتی رانی" میزان حضور نظامی ایالات متحده در منطقه هنوز کافی نیست. به نوشته همین روزنامه، مقامات وزارت دفاع آمریکا از این که عربستان سعودی، تعداد کشتی های دریایی خود را در خلیج فارس تنها به مقدار کمی افزایش داده است، ابراز نارضایتی کرده اند. مجله "تایم" در شماره اول سپتامبر خود نوشت: "این چشم انداز هر چند ضعیف که ایران بتواند نفوذ خود را به عقب بیشتری در داخل عراق و سپس تا آن سوی خلیج گسترش دهد، جدی تر از آن است که بتوان نادیده اش گرفت. از هم اکنون در کویت پنجره ها از صدای بمباران های توپخانه ایران که ۱۵ مایل بیشتر فاصله ندارد، می لرزند. عربستان سعودی و سایر کشورهای همسایه، به طور فزاینده ای نگرانند." تایم به نقل از کاری سیک، از مقامات پیشین شورای امنیت ملی آمریکا می افزاید "عواقب پیروزی احتمالی ایران، آن قدر بزرگ است که مایاید به دقت درباره آن بیاندیشیم."

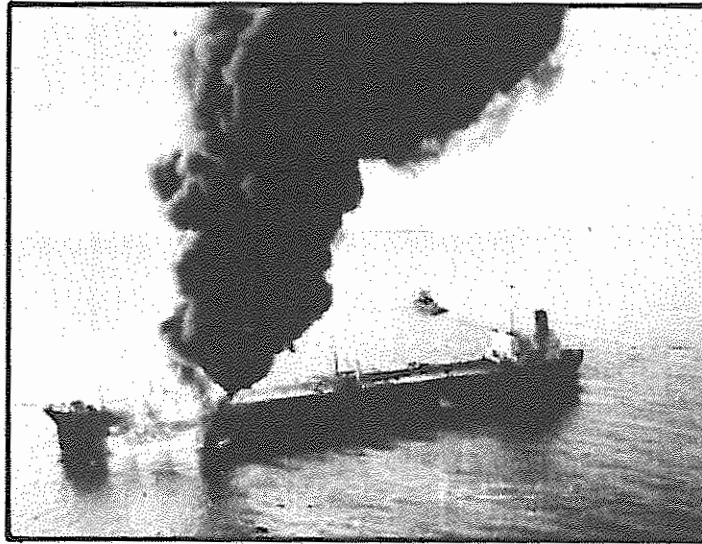
"امیدوارم جنگ"

۳ ساله دیگر ادامه یابد"

دام زدن به تبلیغات کاذب درباره توان نظامی رژیم خمینی و مضاعف جلوه دادن قدرت بسیج نیروی آن، همان هدفی را دنبال می کنند که در طول شش سال گذشته، جنگ ایران و عراق در خدمت آن قرار داشته است؛ انباشتر هر چه بیشتر منطقه از نیروها و سلاح های آمریکایی، نزدیک تر کردن روابط نظامی آمریکا و متحدین عریش در منطقه و در نهایت تبدیل منطقه خلیج فارس به سرپل دیگری برای انجام نقشه های تجاوزکارانه علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای انقلابی و مترقی.

از این گذشته، همانگونه که تحولات منطقه در طی سال های جنگ ایران و عراق نشان داد، اسرائیل متحد استراتژیک آمریکا، مستقیماً از ادامه مخصوصه ای که مشی تجاوزکارانه این کشور را در قبال ملل منطقه تحت الشعاع قرار داده و از امکان مقابله کشورهای عربی با آن کاسته است، سود می برد. یک مقام اسرائیلی، در بیان این امر صراحت کاملی نشان داده و می گوید: "امیدوارم جنگ، ۲۰ سال

جنگ ایران و عراق در مطبوعات غرب



ایرانی ها موفق به پیشروی مهمی شوند، ممکن است صدام سرنگون شود. شاید به دست افسران خودش. این امر می تواند به جنگ پایان دهد اما معلوم نیست خمینی را راضی کند. زیرا احتمال دارد وی همچنان بر ایجاد یک رژیم اسلامی در بغداد اصرار ورزد. رفسنجانی در "مذاکره تلویزیونی" خود، این "پیام" را زدود و پاسخ "ناظران" کذابی را داد: نه آقایان، مطمئن باشید ما زیاده خواه نیستیم. اگر به جای صدام یک حکومت آمریکایی قدرت را در عراق در دست گیرد، "خیلی از مسایل حل می شود."

طرح "احتمال کودتا در عراق" در رسانه های امپریالیستی، صرف نظر از واقعی یا غیرواقعی بودن این احتمال، به روشی رژیم خمینی را مورد خطاب قرار می دهد و به آینده مناسبات امپریالیستی ها با جمهوری اسلامی چشم دوخته است.

الدورادوا

امپریالیست ها، بر رویه امپریالیستی های اروپایی و ژاپنی، در همان حال که با حرص و ولعی بی پایان به گردآوری "نعمت" کنونی جنگ پرداخته اند، از تصور سودی که پس از پایان جنگ در ایران در صورت بقای رژیم جمهوری اسلامی نصیب شان می شود، از شوق در پوست نمی کنجند. آنها برای آینده مناسبات خود یا رژیم ولایت فقیه حساب های

دیگر ادامه یابد. ("تایم" - ۲۸ ژوئیه) هنری کئینینجر وزیر خارجه سابق آمریکا و از مشاوران عالی رتبه دولت ریگان نیز اظهار داشته است: "تنها جنبه منفی این موقعیت (ادامه جنگ ایران و عراق) آن است که تنها یکی از دو طرف، بازنده خواهد بود." (همان جا) میل کئینینجر و دوستان اسرائیلی اش این است که بهتر است جنگ آنقدر ادامه یابد که آخرین ایرانی، آخرین عراقی را بکشد و برعکس.

"کودتا در عراق"

در شماره ۱۲۲ "اکثريت"، طی مقاله ای با عنوان "مذاکره تلویزیونی با آمریکا" خاطرنشان کردیم اظهارات رفسنجانی نماینده خمینی در شورای عالی دفاع جمهوری اسلامی، در اعلام نظر مساعد رژیم فقهادر روی کار آمدن یک حکومت آمریکایی در عراق بی ارتباط با اشاراتی که در این رابطه در مطبوعات غرب آمده است، نیست. در ماه های اخیر، رسانه های امپریالیستی از قول "ناظران" پیش از پیش "احتمال کودتا در عراق" را مطرح می کنند. به عنوان نمونه، ماهنامه انگلیسی میدل ایست در شماره سپتامبر خود به این امر اشاره دارد. مجله آمریکایی "تایم" نیز در شماره ۲۸ ژوئیه، نوشت: "سیاری ناظران گمان می کنند اگر بصره، دومین شهر بزرگ عراق، سقوط کند و یا

زیادی باز کرده اند. به نوشته روزنامه "فرانکفورتر روندشاو" چاپ آلمان فدرال، هانس اولریش اشتورتس که از پنج سال پیش عهده دار ریاست "اتاق بازرگانی آلمان و ایران"، یعنی نمایندگی انحصارات آلمان فدرال در تهران بوده است، با "خوش بینی" به آینده روابط این انحصارات پارژیم خمینی می نگرد. وی پیش بینی کرده است با پایان جنگ ایران و عراق، در ایران "کوه هایی از طلا" به روی سرمایه گذاران خارجی باریدن خواهد گرفت. نماینده انحصارات آلمان فدرال، ایران پس از جنگ را به "الدورادو"ی صنایع و بانک های آلمان فدرال تشبیه کرده است.

جنگ بی پایان؟

عنوان فوق را مجله آمریکایی "تایم" برای مقاله مبسوطی درباره جنگ ایران و عراق برگزیده است. این پرسش را می توان بدین گونه تعبیر کرد: جنگ ایران و عراق، که تاکنون در خدمت تامین منافع امپریالیست ها قرار داشته است، چگونه خواهد توانست همچنان بیشترین سود را برای آنها دربر داشته باشد؟ مطبوعات پورژوایی غرب وانمود می کنند که آمریکا و متحدانش، امکانات کمی برای تاثیر گذاشتن بر مسیر تحولات جنگ ایران و عراق در اختیار دارند. هدف آنها این است که مسئولیت کشورهای امپریالیستی را در ادامه کشتار و ویرانی در این دو کشور ببوشانند. واقعیت آن است که طرفین درگیر، در صورت قطع ارسال اسلحه از غرب، مدت زیادی نخواهند توانست به جنگ ادامه دهند. صادرات اسلحه به ایران و عراق، با آگاهی و موافقت کامل دولت های امپریالیستی صورت می پذیرد. مانورهایی از قبیل بر ملا کردن معامله ۲/۵ میلیارد دلاری تسلیحاتی سه جانبه جمهوری اسلامی، آمریکا و اسرائیل، به هیچ عنوان دلیل بر آن نیست که انجام سایر معاملات از این قبیل، علیرغم میل دولت آمریکا است. کشورهای امپریالیستی و انحصارات تسلیحاتی غرب، مسئولیت اصلی را در جنگ، در جنایات رژیم های خمینی و صدام و در کشتار مردم ایران و عراق دارند. آنها همدستی ننگین خود را تا زمانی ادامه خواهند داد که در تغییر وضعیت، منافع بیشتری جستجو کنند.

مروگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

به یاد رفیق حسین فلاح پور

پرشور و آگاه، بی باک و هوشیار

جنبش کمونیستی ایران - سازمان مایکی از رزمندگان پرشور خود را از دست داد. فدایی خلق، رفیق حسین فلاح پور، روز ۲۱ تیر ماه سال جاری در نتیجه سانحه ای ناگوار درگذشت.

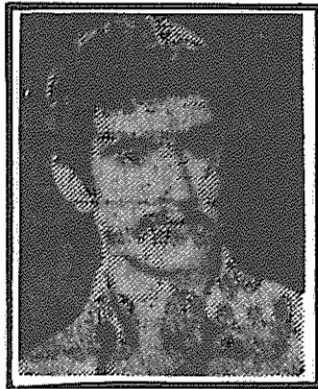
رفیق حسین فلاح پور فادیکلائی، در سال ۱۳۲۵ در یک خانواده کارگری متولد شد. زندگی در میان خانواده ای که تازیان سرمایه بر کرده اش نقش انداخته بود، خصایل برجسته ای در وی پرورش داده بود. فروتنی و بردباری همراه با درایت و شجاعت انقلابی، عشق به مردم و نفرت از دشمنان مردم از خصوصیات بود که در چنان حسین ریشه دوانده بود. طلوع انقلاب بهمین، شعله های آتش عشق و ایمان او راه رزم سعادت آفرین مردم فروزان تر ساخت. رفیق حسین از هیچ تلاشی در روشنگری و بسیج مردم برای انقلاب فروگذار نبود. از همه توان و استعداد خود برای انقلاب مایه گذاشت.

این شه زلال و جوشان مبارزه، در جریان انقلاب به درباری رزمندگان سازمان پیوست. پس از این پیوند حسین به مثابه یک فدایی خلق انرژی و کارایی تازه ای

یافته بود. کار و کار مداوم، بی آنکه چنین خستگی بر چهره اش افتد. هر وظیفه ای را برعهده گرفت بلافاصله چهره شاخص خود را نشان داد. نیرویش، چشمه در ایمان خارا ئین و خنل ناپذیرش به طبقه کارگر داشت. او با صداقت و پرتکاری خود در میان رفقای تشکیلات قائم شهر و با خصایل والا ی انسانی اش در میان همه کسانی که او را می شناختند محبوبیت ویژه ای یافته بود.

در سال ۶۲ در جریان پرورش سبانه و بربر منشانه رژیم خمینی به سازمان ما، که شرایط مبارزه از همیشه دشوارتر گردید، وظیفی را که حسین برعهده گرفت، از همیشه سنگین تر شد. او می دانست که در چنان وضعیتی چه وظیفه ای برعهده یک کمونیست است. دشواری و خطر، برایش مهم نبود. همیشه داوطلب وظایفی بود که بیشترین خطر را به همراه داشت. او وظایف سنگینش را در زمینه پیاده کردن ساختار نوین تشکیلاتی با شایستگی به انجام رساند.

حسین پس از مدتی فعالیت در شرایط مخفی، بنابه دلایل امنیتی، محل زندگی خود را تغییر داد. در وضعیت تازه علاوه بر مشکلات پیشین



می بایست دشواری های تازه ای را تحمل کند. گذر از رنج چنین سختی هایی به درایت و آگاهی و شور انقلابی نیاز داشت. حسین همیشه بر سختی ها فایز بود. او با خلاقیت و هشیاری توانسته بود وظایف خود را در رابطه با تشکیلات سازمان در مازندران به پیش برد. این فدایی خلق با هشیاری، دسایس ارکان های سرکوب را که در جستجوی او بودند، خنثی کرد. رژیم به اودست نیافت اما سانحه ای جانگداز او را از ما و از جنبش گرفت. حسین در تاریخ ۳۱ تیر ماه هنگامی که از یک ماموریت سازمانی، از مازندران به مرکز سکوئش باز می گشت در جاده هراز در سانحه رانندگی چان خود را از دست داد.

یادش گرامی باد

زندان "بنیاد عفت" ...

بقیه از صفحه اول

می تسوسید. "تأحدودن" که مقدرات اجازه داده و برادران ما توانسته اند در این شرایط بوجود بیاورند هست، یعنی محکوم در عرض ۲۴ ساعت لااقل بیکار نیست، روایاتی را حقه می کند، برنامه های فرهنگی هست، سرودهایی می خوانند و آماده می شوند.

براستی این زنان بیچاره اسیر در چنانال اعتیاد با چنین برنامه های ویژه درمانی آياجر برای ابتلابه جنون و دیوانگی آماده می شوند؟ آیت الله در مقابل سؤال بر سرگیری که می پرسد آیا از اسرار متخصص که در زمینه درمان معتادین فعالیت کرده و تجربه داشته باشند استفاده می شود؟ می گوید: "افراد دلسوخته مشکلات اجتماعی لمس کن، دوره دیده، یعنی آنکه تکلیف میداند زنده کردن انسان را این طور افراد آنجا هستند و تلاش میکنند و خون دل میخورند که یک فردی ساخته شود."

عضو شورای عالی قضایی در پاسخ به این مساله که درمان معتادین کار بسیار ظریفی است و هر فردی از عده آن بر نمیاید و آیا افرادی که در این مرکز در کرمان هستند این ویژگیها را دارند، اضافه می کند: "ممکن است اول این ویژگیها را نداشته باشند ولی بتدریج با برخورد هایی که در این مدت طولانی بعد از انقلاب داشته اند قطعاً به یک سری تجاربی رسیده اند"

به نظر نمی رسد که توضیح بیشتری برای بیان کیفیت این متخصصین "دوره دیده" نیاز باشد. از اینگونه "دلسوخته" مشکلات اجتماعی لمس کن" رادر گشت های مختلف بازارها و بیا زینب و... در کوچه و خیابانها بسیار دیده ایم.

در این زمینه صحبت الاسلام زرگر سرپرست دادرسی مبارزه با مواد مخدر، لب مطب را بی دغدغه خاطر بیان داشت:

"خود فرد باید محکوم شود، جامعه که مسئول نیست، این آدم چی می خواهد ما هر امکاناتی که فکر می کرده برایش فراهم کردیم." زندان و شکنجه روانی و جسمی آن امکانی است که رژیم جمهوری اسلامی برای انسانهای دردمندی که قربانی سیاستهای هستی برانداز حکومتگران مرتجع و جنایتکار شده اند، تدارک دیده است.

آغاز سال تحصیلی در ایران

بقیه از صفحه اول

تحصیل بدون کاغذ و قلم

یک دانش آموز روستایی ۷ عده دفترچه می تواند خریداری کند.

* کیهان ۱۶ شهریور - معاون پژوهش و برنامه ریزی کتاب های درسی وزارت آموزش و پرورش اعلام نمود که امسال بین کلیه دانش آموزان دوم تا پنجم ابتدایی یک جلد کتاب کهنه پارسال توزیع می شود. بهای کتاب های کهنه معادل بهای یک کتاب نومی باشد.

وزیر بازرگانی در پاسخ به این پرسش که نوشت افزار توزیع شده برای به مدتی خواهد بود و نوبت بعدی توزیع نوشت افزار کی فرا می رسد، گفت: "این امر به امکاناتی که به دنبال آن هستیم بستگی دارد. طبق پیش بینی ما تا چهار ماه دیگر یک

نوبت توزیع دیگر صورت می گیرد." با توجه به معیارها و فرهنگ حاکم بر گفتار مسئولین جمهوری اسلامی، این سخن به معنای اعلام رسمی این امر است که در سال تحصیلی جاری توزیع دیگری صورت نخواهد گرفت.

لازم به تاکید است که اکنون دبیر در هیچ مغازه ای لوازم التحریر به نرخ های سابق به فروش نمی رسد و تنها با نرخ های بازار آزاد می توان نوشت افزار را به چنگ آورد.

وزیر بازرگانی در پایان این مصاحبه که در اطلاعات ۱۸ شهریور درج شده است، از اولیای دانش آموزان خواست "از موقعیتی که به دست آمده جهت آموزش قناعت و صرفه جویی به کودکان استفاده کنند" و از دانش آموزان خواست "با مراقبت از لوازم خود دولت را در این مقصد یاری رسانند."

براستی که فلاکت و ورشکستگی از تک تک گفته ها و طرح های مسئولین رژیم هویدا است.

نوسان بهای نفت

اطلاعات ۱۹ شهریور - بهای نفت که در طول چند هفته اخیر سیر صعودی یافته بود، مجدداً اندکی کاهش یافت. به گزارش خبرگزاری فرانسه بهای نفت وست تگزاس اینتر میدیت (ملاک عمل در بازارهای نفت آمریکا) ۷۲ سنت به ازای هر بشکه کاهش یافته و به بشکه ای معادل پانزده دلار و شصت و دو سنت رسید. جدا از عوامل موثر در نوسان بهای نفت در بازارهای جهان، مطبوعات غرب از جمله مجله "اکونومیست" و روزنامه آمریکایی "کریستین ساینس مانیتور" علت کاهش بهای نفت را ذخایر نفتی غرب و عرضه بیش از تقاضا اعلام کرده اند. باید افزود که سازمان کشورهای صادره کننده نفت (اوپک) در ماه آینده میلادی تحولات بازار جهانی این کالا و همچنین نوسانهای بهای نفت را مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد داد.

تعهد پزشکان اعتصابی

در پی دستگیری عده زیادی از پزشکان کشور که در اعتصاب تیرماه شرکت داشتند، هفته گذشته اعلام شد، عده ای از پزشکان دستگیر شده را به شهرهای دور دست تبعید کرده اند. مدت تبعید پزشکان حداقل یک سال اعلام شده است. رئیس پیشین سازمان نظام پزشکی از جمله پزشکان تبعیدی می باشد. پیش از اعلام این خبر، دکتر منافی رئیس منصوب سازمان نظام پزشکی اسلامی در گفتگویی با خبرنگاران در تبریز گفته بود رژیم تصمیم دارد عده ای از پزشکان دستگیر شده را مجازات کند. نامبرده در این گفتگو که در روزنامه اطلاعات ۱۷ شهریور بازتاب یافته است، اظهار داشت: "عده ای از این افراد که به شهرستانها نامه نوشته و پزشکان را دعوت به اعتصاب کرده بودند، توسط مقامات مسئول و قضایی کشور دستگیر شده اند... و کسانی که جرمهای سنگین داشته اند، مسلماً کیفر خواهند دید". منافعی همچنین از شورای نگهبان درخواست کرد که در نظر خود راجع به سازمان نظام پزشکی اسلامی تجدیدنظر کند. شورای نگهبان لایحه مصوبه تأسیس سازمان نظام پزشکی را مغایر با قانون اساسی جمهوری اسلامی اعلام کرده است.

فشار سباست مالیهائی رژیم
بر کارمندان

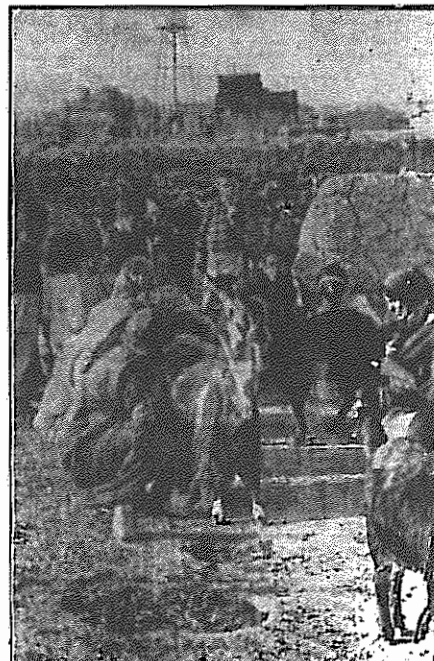
اطلاعات ۱۶ شهریور - ماجدی قائم مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی در گفتگویی با روزنامه اطلاعات اعتراف کرد بهار سنگین مالیات، بردوش حقوق بگیران شایب و از جمله کارمندان است. وی از جمله گفت: "این که گفته می شود مالیات کارمندان در حال حاضر بیشتر است و بار مالیاتی بردوش آنهاست حرف درستی است و باید آنرا پذیرفت چون میزان درآمد کارمندان مشخص است و طبیعتاً می توانیم میزان مالیات آنها را دقیقاً تشخیص دهیم." قائم مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی فاش ساخت که در چهار ماهه اول سال جاری مالیات کارمندان ۲۵ درصد رشد داشته است.

اخباری از جنگ

روز شنبه ۲۹ شهریور، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی طی اطلاعیه ای اعلام کرد نیروی هوایی جمهوری اسلامی به بمباران تاسیسات راداری رواندود عراق واقع در شمال این کشور و ۵۰ کیلومتری مرز ایران اقدام نموده است. رژیم جمهوری اسلامی در هفته گذشته اعلام کرد یک حمله هوایی عراق را به شهر اهواز خنثی ساخته و در اثر آتش ضد هوایی، هواپیماهای عراق ناگزیر به فرار شده اند. در این هفته هواپیماهای عراقی بار دیگر به تاسیسات نفتی خارک حمله کردند. جمهوری اسلامی اعلام کرد که ۴ فروند از هواپیماهای عراق را در حوالی خارک سرتکون کرده است. رژیم عراق به سقوط یک فروند چنگنده خود اعتراف کرده است.

در هفته گذشته، جمهوری اسلامی به یک نفت کش کویتی حمله کرده و نفت کش کویتی را به آتش کشید. بنا به گزارشات منابع منطقه حمله به نفت کش کویتی به وسیله یک ناوچه رزمی ایران صورت گرفته است. این حمله بار دیگر بر تشنج منطقه افزود. هیات دولت کویت در اولین برخورد رسمی خود، این اقدام جمهوری اسلامی را به شدت محکوم نمود. روزنامه های دولتی جمهوری اسلامی اعلام کردند تنها در عملیات کربلا - ۲، ۱۱۵ تن از "مجاهدین عراقی" کشته شده اند. مجاهدین عراقی تعدادی از مهاجرین و معاودینی هستند که جمهوری اسلامی آنان را وادار به شرکت در جنگ کرده است. با توجه به این که عده این افراد درخور توجه نیست، تعداد زیاد تلفات آنان نشان دهنده تلفات سنگین نیروهای ایرانی و فاجعه پدید آمده در عملیات کربلا - ۲ است.

زنان و کودکان روستایی



روستای احمدآباد از توابع سنجان - زنان و کودکان در تلاش برای گذراندن زندگی، با همه دشواریهای گفته و ناکفته آن. کارکردن و از غمها و آرزوهای سخن راندن. با کار طاقت فرسا بامداد را به تاریکی شب دوختن. تکرار هر روزه سختیها و مشقات.

تکرار یک دعوت

شافعی وزیر صنایع جمهوری اسلامی در جمع گروهی از سفرا و نمایندگان سیاسی خارجی و مدیران غرفه های نمایشگاه بین المللی تهران، به تشریح سیاست دولت در مورد سرمایه گذاری بخش خصوصی پرداخت. وزیر صنایع جمهوری اسلامی از سرمایه داران کشور "دعوت کرد" تا در صنایع واسطه ای و صنایع دیگر سرمایه گذاری کنند. شافعی از سرمایه داران خواست تا در زمینه صنعت قند در خراسان، کارخانه های تولید خمیر کاغذ، لاستیک، شیرخشک و غذای کودک، تولید سموم و دفع آفات، سیمان و مواد واسطه ای آلی و معدنی، به فعالیت بپردازند.

هاشمی مشاور صنعتی موسوی نخست وزیر نیز در رابطه با سرمایه گذاری بخش خصوصی و امنیت سرمایه گذاری در جمهوری اسلامی گفته است: "امنیت سرمایه گذاری در ایران کاملاً وجود دارد و بارها اعلام شده است. ارز در حدی که به هر حال موجود باشد در اختیار آنها گذاشته می شود و امکانات زیربنایی هم دولت در اختیارشان می گذارد و آقایان می توانند انجام دهند."

شناسنامه آماری استان های ایللام و یزد

اطلاعات ۱۸ شهریور - شناسنامه آماری استان ایللام از سوی مرکز آمار ایران منتشر شد. بر اساس این شناسنامه استان ایللام در آخرین برآورد آماری سال ۶۲، بالغ بر ۵۰۷ ۲۰۷ نفر جمعیت داشته که تراکم جمعیت در این استان ۱۶/۲ نفر در کیلومتر مربع است. ۵ مطلب پزشکی و دندانپزشکی از ۷ مطلب موجود در کل این استان در شهر ایللام قرار دارد. به غیر از شهر ایللام که دارای دو بیمارستان است، در هیچ نقطه ای از این استان بیمارستانی وجود ندارد.

اطلاعات ۱۷ شهریور - از سوی مرکز آمار ایران نشریه "شناسنامه استان یزد" منتشر شد. استان یزد بر طبق آخرین برآورد مرکز آمار ایران ۵۲۶ هزار نفر جمعیت داشته که تراکم جمعیت در کل استان ۷/۷ نفر در کیلومتر مربع است. اکثر امکانات بهداشتی و آموزشی در یزد مرکز استان متمرکز بوده و سایر شهرستانها و شهرهای استان فاقد امکانات بهداشتی و آموزش عالی هستند. در سال ۱۳۶۲ از ۱۳ بیمارستان موجود در این استان و ۱۲۰ مطلب پزشکی و دندانپزشکی تنها ۲ بیمارستان و ۱۰ مطلب در دیگر شهرهای استان واقع شده بودند.

تاسیس دانشگاه های خصوصی

اطلاعات ۱۵ شهریور - فرهادی وزیر فرهنگ و آموزش عالی جمهوری اسلامی در یک گفتگو با روزنامه اطلاعات اعلام کرد که در جمهوری اسلامی سرمایه داران می توانند موسسات آموزش عالی دایر کنند. وی گفت: "ما در کنار دانشگاه های دولتی، موسسات آموزشی خصوصی نیز خواهیم داشت و در همین رابطه تاکنون تقاضاهایی رسیده است."

چشم در پیر ابر چشم

کسانی که به اتهام شرکت در ماجرای جنایتکارانه بمب‌گذاری در خیابانی در شهر قم دستگیر شده بودند، اخیراً به اعدام محکوم گردیدند. حجت‌الاسلام ری شهری وزیر ساواک جمهوری اسلامی ضمن اعلام اعدام قریب‌الوقوع این افراد، برده از طرحی مخوف و جنایت‌بارتر که رژیم ولایت فقیه در تدارک آن است، برداشت. وی گفت باید نظر گرفتن قضایات آیت‌الله مشکینی و سانجی، محکوم شدگان قبل از اعدام، قصاص خواهند شد. رئیس ساواک رژیم فقها که در دولت موسوی عنوان وزیر اطلاعات را دارد، رسماً اظهار داشت که باید ابتدا دست و پا و گوش منهدم را بریده و چشمان آنان را از حلقه بیرون آورده و آن‌گاه حکم اعدام اجرا گردد. سیاحتی این‌گونه، که هیچ سفتی را در توصیف آن نمی‌توان یافت، در انطباق با قوانین رژیم فقهاست. (منبع - اطلاعات ۱۸ شهریور)

پروژه پتروشیمی اراک چگونه احداث می‌شود؟

کمیتهان هوایی ۱۹ شهریور - قرارداد احداث پروژه پتروشیمی اراک با مشارکت وزارت نفت و بانک ملی با سرمایه‌ای معادل ۱۰۰ میلیارد ریال به امضا رسید. بنا به این گزارش ۷۰ درصد مبلغ سرمایه‌گذاری شده، صرف تامین هزینه‌های ارزی خواهد شد. پیش از این روزنامه اطلاعات ۱۰ شهریور فاش ساخته بود که این طرح با همکاری پیمانکاران اروپای غربی اجرا خواهد شد. آفازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی که خبر احداث این پروژه را طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام کرد، کمترین اشاره‌ای به منبع تامین ارز این پروژه ننمود و در عین حال نامبرده نام انحصارات امپریالیستی را که در احداث پتروشیمی اراک "همکاری" می‌کنند را نیز فاش ساخته است.

از همه جا برای جنگ

اطلاعات ۱۲ شهریور - موسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی طی بخشنامه‌ای از کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و موسسات دولتی خواست کلیه تاسیسات، امکانات و ابزارهایی که "می‌تواند مورد استفاده جنگ و جبهه‌ها قرار بگیرد" را پس از شناسایی به ستاد پشتیبانی جنگ شهرستان‌ها و یا استان‌ها تحویل دهند. بخشنامه اخیر نخست‌وزیر جمهوری اسلامی رسمیت بخشیدن به روالی است که از مدت‌ها پیش در نهادهای دولتی دنبال می‌شود.

بودجه آموزش و پرورش حذف می‌شود

اطلاعات ۱۹ شهریور - مجلس شورای اسلامی بررسی لایحه "نحوه مشارکت مردم در آموزش و پرورش" را آغاز کرده است. دری نجف‌آبادی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس صریحاً اعلام کرد که تامین هزینه‌های آموزش و پرورش برعهده مردم خواهد بود. وی اظهار داشت، "با توجه به وضع ناپایدار نفت و مشکل کمبود بودجه، دولت توان تامین بودجه آموزش و پرورش را ندارد. از این رو، با توجه به نظریه امام، برای گسترش آموزش و پرورش، باید از کمک مالی مردم بیشترین بهره‌گیری را داشته باشیم." براساس مصوبه مجلس، دولت موظف شده است که به این منظور تا دو ماه دیگر "لایحه نحوه مشارکت مردم در آموزش و پرورش" را تهیه و جهت تصویب به مجلس ارایه کند.

از میان دیگر رویدادها

* اطلاعات ۱۷ شهریور - "به منظور هماهنگی و حضور هر چه فعال‌تر پرسنل وزارت نیرو در امر جنگ به زودی سازمان آب و برق کربلا با هدف بسیج و سازمان‌دهی هر چه بیشتر امکانات وزارت نیرو تشکیل خواهد شد."

* اطلاعات ۱۹ شهریور - "فراپتاک" سفیر آلمان فدرال در جمهوری اسلامی با وزیر راه و ترابری دیدار و گفتگو کرد. سفیر آلمان فدرال طی این دیدار اظهار داشت، "من از طرف کشورم ماموریت دارم برای ایجاد روابط هر چه بهتر با کشور شما تلاش کنم."

* اطلاعات ۱۹ شهریور - تمامی رئیس کمیسیون کار مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که لایحه قانون کار در شور اول به تصویب اعضای کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی مجلس رسیده و آماده ارایه به مجلس شورای اسلامی است.

* کمیتهان ۱۷ شهریور - شهرداریهای جمهوری اسلامی به کسانی که وسیله نقلیه خود را به صورت موقت ربا فوئنامه به افراد و اکتدار می‌کنند، هشدار داد. باید خاطر نشان ساخت که دولت خرید و فروش وسایط نقلیه را آزاد اعلام کرده است و شهرداری با این هشدار هدف دریافت مالیات و عوارض انتقال اتومبیل‌ها را دنبال می‌کند.

* زنجانی وزیر برنامه و بودجه جمهوری اسلامی فاش ساخت "درآمدهایی که فقط بخش بازرگانی دارد نزدیک به کل بودجه کشور است."

* دو کارگر دیگر در اثر نبود سیستم‌های محافظتی دچار سانحه شده و جان باختند. این دو کارگر که در کارخانه چسب‌سازی چاده دماوند کار می‌کردند، دچار حریق شدند و درگذشتند.

* کمیتهان ۱۹ شهریور - بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی در گردهمایی یک‌روزه مسئولین ستادهای پشتیبانی کارخانجات بر همکاری و هماهنگی هر چه بیشتر صنایع کشور با جنگ تأکید ورزید. طبق قرار پیشین، بسیاری از خطوط واحدهای تولیدی کشور، به تولید جنگ افزار و مایحتاج جنگی اختصاص یافته‌اند. نبوی برای این هماهنگی و همکاری صنایع با جنگ نام "حماسه تولید دفاعی" نهاد.

مردم چه می‌کشند

یکشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۶۵ -

پیرمردی هستم که تنها وسیله معاشم یکمکده ماشین تحریر بوده که آنرا هم ماموران سد معبر بیفما برداشتند. پس از پرداخت جریمه از طرف دادگاه حکمی صادر شد که ماشین تحریر را برگردانند وقتی بانبار شهرداری مراجعه کردم گفتند که ماشین تحریر از انبار بسرقت رفته است.

پس از ۴۰ روز رفت و آمد و بیکاری قرار شد که مشابه و یا غرامت آنرا بسدهند و از طرف شهرداری هم قرار شد ماموری این قضیه را

بگیری کند، که خدا گواه است تا امروز مامور را پیدا نکردام. حال از ظلم ماموران سد معبر بشما شکایت می‌کنم زیرا که مدت چهار ماه است مرا مثل توب فوتبال اینطرف و آنطرف پرتاب می‌کنند و رفع ظلم نمی‌تایند.

در این مدت بیکاری، تمام هستم از دستم رفته است، آخر چرا دادگاهی که حکم استرداد ماشین را صادر کرده پیشری برای آن ارزش قائل نیستند.

از نامه‌های خوانندگان به روزنامه‌های

حدود یک ماه و نیم پیش تصمیم گرفتم دختر کوچکم را که سر کلاس سوم راهنمایی تحصیل می‌کند به کلاس زبان بفرستم بدین منظور او را در یکی از زبانکده‌های اهواز ثبت نام کردم. او بطور مرتب در کلاسها شرکت می‌کرد و سر ساعت هم به منزل برمی‌گشت.

ولی چند روز پیش که قرار بود در ساعت ۱۱/۵ صبح به منزل باز گردد از او خبری نشد، کم‌کم دلهره واضطراب سراسر وجودم را فرا گرفت. دلهره آنچنان بود که نمی‌توانستم روی پای خود بند شوم لاجرم با حال زار بوسیله تاکسی سرویس به زبانکده مراجعه کردم، در آنجا بسته بود، اکثر بیمارستانهای شهر را زیر پا گذاشتم ولی از دخترم خبری نبود. بر سر زنان مجدداً به زبانکده برگشتم و مشاهده کردم که قبل از من پدر و مادرهای دیگری در آنجا جمع شده‌اند در همین وقت بود که احساس کردم یک طرف بدنم بی‌حس شده و حالم بهم خورد و نقش زمین شدم وقتی بهوش آمدم خود را در بیمارستان دیدم.

بعد متوجه شدم برادران گشت کمیته ساعت ۱۱ به جلوی زبانکده می‌رسند و تمام دانش‌آموزان را در ماشین گذاشته و به کمیته می‌برند و پس از اعتراض پدر و مادرها آنان را آزاد می‌کنند. در آن بازداشت چند ساعته آنها به دخترم می‌گویند که لباس پوشیدنت عیبی ندارد ولی کن رنگ مانتو را تیره انتخاب کنی و سپس او را آزاد می‌کنند. اما آنان نمی‌دانند پس از آن مادر منی دختر دچار شوک شدید و سگته گردید و در حال حاضر نمی‌تواند منزل، گذشته از بجه‌هایش مواظبت کند.

کمیتهان

پنجشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۶۵ -

از دوسال پیش تاکنون، واداره کل کتابخانه‌های عمومی کشور، اقدام به برپائی کلاسهای کوتاه مدت آموزشی کتابداری برای کتابداران زیر پوشش خود در سراسر کشور کرد. این کلاسها باجمیاری و همکاری گروهی از مدرسان و کتابداران برگزار گردید.

چند روز پیش شنیدم که مسئولان مربوطه تحولاتی را در نحوه برپائی کلاسها و کم و کیف آن صورت داده‌اند که از جمله این تحولات اسلامی کردن ضوابط و ابرگزاری کلاسهاست. سخت مایه حیرتم شد که به خاطر اسلامی کردن کلاسها، همکاری مد سان مؤنث مطرح نخواهد بود.

چرا هر جا که می‌خواهند ضوابط اسلامی را مطرح کنند: اول می‌گویند زن نه! آیا آن زمانی که با تمام خطرات راه و کار، خود و خانواده خود را فراموش کردم، حرکتی را آغاز به انجام رساندم، هرگز در مورد زن و مرد بودن فکری نکردند، چرا لااقل به فکر این نیفتادند که تشکری مختصر بکنند و آنگاه زن را همچون شیئی عتیقه به کناری بگذارند. چرا به نام اسلام این چنین ایجاد تفرقه می‌کنند.

بقیه از صفحه اول

ایران سرتاسر جنگ زده است، اما خوزستان؟ برای خوزستان چه صفتی بیابیم؟ خوزستان نجس کامل جنگ است، جنگ زده تر است، جنگ زده ترین است.

خوزستان یک مجروح جنگی است، مجروحي که پاره‌هایی از پیکرش را جنگ له و لورده ساخته است. اما خوزستان هنوز زنده است، پیکری خون چکان دارد اما مقاومت می‌کند، روی پا ایستاده است و نمی‌گذارد جنگ طلبان او را از پا بیندازند. خوزستان تظاهرات می‌کند، خوزستان اعتصاب می‌کند، خوزستان به اعتراض برمی‌خیزد و به جنگ ویرانگر و رژیم جنگ طلب خمینی با نفرت می‌نگرد.

در استان خوزستان جنبش توده‌ای و ضد جنگ، جنبش کارگری و دهقانی نشانه‌های رشد و شکوفایی را با خود دارد. جنبش در خوزستان همچون دیگر نقاط کشور با افت و خیزهایی همراه بوده است. زمانی جنبش اعتصابی در میان کارگران بخشهای مختلف صنعت نفت و گاز در خوزستان چنان اوج گرفته بود که حتی متوهم‌ترین افراد نسبت به رژیم نیز در حرکتی اعتراضی کارگری شرکت می‌جستند. در اعتصاب پالایشگاه گاز بیدبلند حتی اعضای انجمن اسلامی نیز نتوانستند خود را از اعتصاب کنار بکشند. برهه‌هایی نیز پیش آمده که جنبش کارگری و توده‌ای در خوزستان در حالت آرامش بیش از توفان قرار گرفت.

بین وضعیت جنبش کارگری و توده‌ای در خوزستان با وضعیت جنبش در دیگر نقاط کشور نمی‌توان تفاوت اساسی قائل شد. اما بدون تردید خوزستان دارای ویژگی‌هایی است که بر روی جنبش توده‌ای در این استان تاثیر عمیقی می‌نهد. خوزستان یک استان کارگری است. کارگران صنایع نفت و گاز، کارگران مجتمع ستیم صنایع فولاد و کارگران دهها واحد صنعتی بزرگ دیگر جنبش توده‌ای در خوزستان را زیر تاثیر قوی خود قرار می‌دهند.

خوزستان مهم‌ترین منطقه جنگی کشور است. خوزستان بین یک تایک و نیم میلیون آواره جنگی دارد. از این آوارگان بنا بر آمار دولتی دست کم ۶۷۲.۰۶۲ نفر در خود خوزستان پراکنده شده‌اند. در خوزستان تراکم نظامیان بیش از دیگر استانهای کشور است. خوزستان فشار بیشتری از نظر مصایب مستقیم و غیرمستقیم جنگ تحمل می‌کند. این وضعیت به خوزستان خود ویژگی‌های بارزی می‌دهد.

خصوصیت مهم دیگر خوزستان حضور خلق محروم عرب در این خطه است. خلق عرب از جمله محروم‌ترین و تیره‌روزرترین خلفای غیر فارس ساکن ایران است. بعد از انقلاب جنبش خلق عرب خوزستان برآمد یافت. رژیم کمر به سرکوب خونین این خلق بست. اما مبارزه ادامه یافت. تظاهرات اردیبهشت ماه سال گذشته در اهواز یک بار دیگر نقش مهم خلق عرب در مبارزه مردم خوزستان علیه رژیم را نشان داد. این تظاهرات با شعارهای ضد جنگ و فراقبر خود به یکی از فرازهای برجسته مبارزه خلق عرب و کلیت جنبش توده‌ای و ضد جنگ در

برای تداوم جنگ گرسنگی و بیکاری بیشتری را تحمل کنند و افراد بیشتری را به جبهه بفرستند.

بنا بر آمار دولتی میزان اشتغال در خوزستان قریب به ۶۰ درصد کاهش یافته است. جنگ از هر ۱۰۰ نفر ۶۰ نفر را در خوزستان از کار بیکار ساخته است. بیکاری افزون بر کمبود مسکن، کمبود مسکن افزون بر گرانی و کمبود مابچنانچ زندگی، همه اینها افزون بر مصیبت‌های مستقیم جنگ و در بالای سر همه شمشیر خون چکان سرکوب، زندگی مردم خوزستان را به جهنمی تبدیل کرده است.

بخشی از دستگاه جهنمی فشار و

خوزستان جنگ زده



این است خوزستان! مادران مویه می‌کشند. نه یک تن، نه صد تن، دهها هزار تن، دهها هزار مادر ضربه می‌کشند.

خوزستان بدل گشت.

جنگ، سرکوب، فلاکت

بر تمامی عرصه‌های زندگی مردم خوزستان، مهر و نشان جنگ کوبیده شده است. به شهرهای خوزستان که وارد می‌شوید، آنچه که بیش از همه در قالب نشانه‌ها می‌گنجد ویرانی، محنت و فلاکت است. شهرهای ویران شده دچار تراکم جمعیتند. تراکم جمعیت، زندگی در اهواز را مختل ساخته است. مهاجرین جنگی آبادان، خرمشهر، هویزه و روستاهای اطراف این شهرها عمدتاً به اهواز آمده‌اند. گرانی در شهرهای خوزستان پدید می‌آید. خوزستان یک منطقه حاصلخیز کشاورزی است. اما ماحصل رنج روستائیان عمدتاً به جیب‌ها اختصاص داده می‌شود. خوزستان مهم‌ترین منطقه جنگی است و مسئولین رژیم به مردم این استان فشار می‌آورند که باید

سرکوب رژیم به امر کسب داشتن مردم به جیب اختصاص یافته است. خانه‌های مردم را نیز می‌گردند تا جوانان را به اجبار راهی جیب‌ها سازند. پاسداران در روز ۲۶ خرداد امسال خیابان خمینی اهواز را به محاصره درآوردند و همه جوانانی را که کارت پایان خدمت سربازی یا خودداشتند، دستگیر کردند. این شیوه عمل در اهواز و دیگر شهرهای خوزستان مدام در حال تکرار شدن است و نفرت شدیدی را برانگیخته است.

از فشار اقتصادی نیز به وفور برای تامین گوشت دم توب در جیب‌ها استفاده می‌شود. کارگران، فرهنگیان و کارمندان همواره در معرض این تهدیدند که اگر به جبهه نروند، کار خود را از دست می‌دهند. توسل به سرکوب و فشار اقتصادی نشان می‌دهد که سلاح فریب و توهم آفرینی، کارآیی خود را برای تامین نفرت

جیبه از دست داده است. در روز ۲۰ فروردین امسال تلاش کردند دانشجویان و کارمندان و استادان دانشگاه اهواز را در یک جا جمع کنند و در اوصاف اعزام به جبهه برای آنان سخنرانی کنند. تبلیغات وسیع آنها که با تهدید و ارباب نیز همراه بود تنها توانست از میان هفت هزار دانشجوی کارمند و استاد دانشگاه اهواز هفتاد نفر را راهی جبهه سازد. در سرتگرد فرمانده سپاه در جلسه‌ای که با حضور فرهنگیان شهر برگزار شده بود خواهان آن شد که از هر گروه آموزشی ۲۰ نفر به جیبه اعزام شوند. معلمان و دبیران با تشکیل جلساتی چند، با این فرمان مخالفت کردند و از اعزام به جیبه سرباز زدند.

نفرت مردم از جنگ در خوزستان نمودهای بارزی دارد. اکنون در مراسم تشییع جنازه کشته شده‌های جنگ پاسداران با لباس شخصی میان جمعیت می‌روند تا اجتماع آنها به یک تظاهرات ضد جنگ تبدیل شود. این امر در مراسم تشییع جنازه کشته شده‌های بیماران قطار حامل مهمات در ایستگاه هفت تبه در خرداد ماه امسال توجه همگان را به خود جلب کرده بود.

در خوزستان مدتهاست که حتی تبلیغات حکومتی در مورد سازندگی مناطق ویران شده قلم شده است. در حرف نیز از سازندگی خبری نیست. اکثر هواپیماها و موشکهای عراقی آبادیهای موجود را ویران نسازند خود رژیم کمر به از دیباد ویرانی‌ها می‌بندد. به بهانه کمبود بودجه در بسیاری از موسسات صنعتی، خدماتی و آموزشی را بسته‌اند و یا این که آنها را از رونق انداخته‌اند. بعد از پیام فرمانده سپاه پاسداران مبنی بر اختصاص دادن امکانات آموزشگاههای فنی و هنرستانهای صنعتی به ساخت تسلیحات برای جیبه، آموزشگاه فنی و حرفه‌ای اهواز تعطیل شد و این آموزشگاه به اشغال کادر فنی سپاه درآمد. به این ترتیب آموزش عده کثیری کارآموز در این آموزشگاه متوقف گردید.

ناراضیاتی شدید مردم از تداوم جنگ و فلاکت اقتصادی به حرکتی اعتراضی مختلفی می‌انجامد. رژیم برای مهار کردن این حرکتها تعداد کثیری از نیروهای سرکوبگر خود را در خوزستان گرد آورده است. همه شهرهای خوزستان دارای زندانهای انباشته‌ای هستند. در اهواز نیروهای انقلابی اسیر شده در چند زندان به بند کشیده شده‌اند. سرکوب در خوزستان چهره عریانی

دارد. خلق عرب همواره خود را با ماشین سرکوب رژیم مواجه می‌بیند. عربها تحقیر می‌شوند، به آنها کار نمی‌دهند و امکانات به حساب نیامدنی موجود را هم از آنها دریغ می‌کنند. فشار بر روی زنان نیز دم افزون است. اخیرا در مسجدها سلیمان هنگامی که مامورین کمیته متعرض زنی شدند که فاقد حجاب مورد نظر آنها بود، مردم به اعتراض برخاستند و کمیته‌چی‌ها را چنان گوشالی دادند که فرار را بر فرار ترجیح دادند.

در حالی که مردم از فراهم کردن نان شب خود وامانده‌اند، مسئولین حکومتی در خوزستان در ناز و نعمت به سر می‌برند. آنها به غنایم آشکار خود بسنده نکرده و با اختلاس و کلاه گذاشتن بر سر هم‌دیکر نیز می‌کوشند بر ثروت خود بیفزایند. در جریان رقابت‌ها و دسته کشی‌های میان مسئولین حکومتی گاه پرونده این اختلاسها روی می‌شود. نمونه آن روشن فسادکاریهای حاکم شرع مسجد سلیمان است که به عزل وی منجر شد. نمونه دیتربرنکاری شهردار اهواز در جریان دسته کشی‌های درون حکومت است.

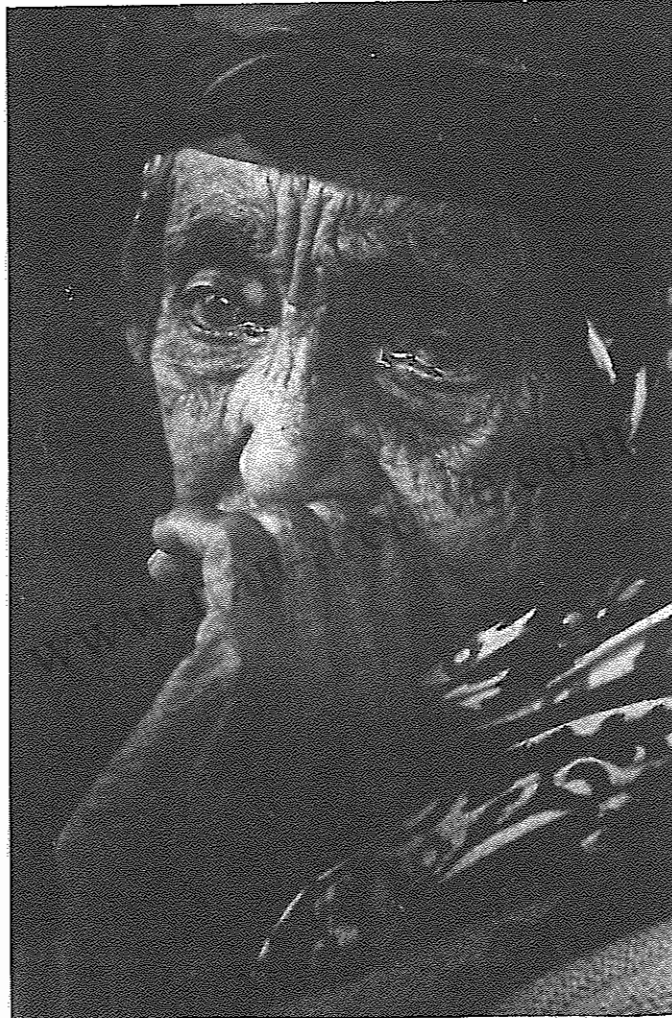
ویرانی و رکود واحدهای صنعتی در خوزستان

سیاست عمومی رژیم مبنی بر تعطیل کردن صنایع برای تخصیص همه امکانات به امر تدویم جنگ، مجتمع‌های صنعتی در خوزستان را دچار رکود شدیدی کرده است. واحدهای صنعتی در خوزستان اگر به دلیل آسیب دیدن مستقیم از جنگ تعطیل نشده باشند، هم اکنون در معرض این خطر قرار دارند که به زندگی نیمه جان آنها پایان داده شود. پالایشگاه آبادان، در روزهای نخست جنگ قربانی شد. مجتمع بزرگ پتروشیمی رازی (در بندر خمینی) پیش از سه سال است که به دلیل خسارات جنگی تعطیل است. مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن در حالی که ۸۰ درصد کارهای ساختمانی و نصب برخی از دستگاههای آن به پایان رسیده، همچنان در حالت تعطیل به سر می‌برد و با فرسوده شدن دستگاههای آن سرمایه‌ای که خرج آن شده، به مرور زمان تلف می‌شود. همه امتیازاتی که رژیم به انحصارات غارتگر ژاپنی داد، نتوانست آنها را مایل به ادامه کار در این پروژه‌ها سازد. فلکات اقتصادی رژیم باعث شده است که دیگر، کار اتمام این پروژه‌ها به دست فراموشی سپرده شود. سایر واحدهای نفت و گاز، از جمله پالایشگاه گاز بید بلند و ان-جی-

ال‌های متعدد اهواز (واحدهای تصفیه و تهیه گاز طبیعی مایع) اکثرا در معرض حملات هواییهای عراقی هستند. پس از حملات هوایی اردیبهشت ماه عراق، ۸۰۰ تن گاز تزان قیمت پروپان، در کریت کمپ در هوا تخلیه شد. اخیرا یکی از واحدهای مهم شرکت نفت در مسجد سلیمان بر اثر بمباران به کلی منهدم شد. خسارت وارده ۲ میلیارد تومان برآورد می‌شود. صنایع عظیم

مبارزه کارگران در خوزستان

کارگران خوزستان خاصه در واحدهای صنعتی قدیمی و بزرگ، دارای سنتهای عمیق مبارزاتی هستند. آنها با ضرورت تشکیل آشنا هستند و مبارزه خود را با پشتوانه تجربی



خوزستان اینجاست. در چشمان غم‌زده این مادر است و در دستان چروکیده و خسته او.

پرباری پیش می‌برند. تشکلهای فرمایشی همچون انجمن‌های اسلامی و شوراهای وابسته به حکومت در کارخانه‌های خوزستان خیلی سریع آبرو باخته و منزوی شده‌اند. این تشکلهای وابسته نتوانسته‌اند در پالایشگاه گاز بید بلند، واحدهای پتروشیمی و صنایع فولاد و نورد اهواز مبارزه کارگران را دچار انحراف و رکود سازند.

یکی از واحدها و مجتمع‌های صنعتی مهم خوزستان، صنایع فولاد اهواز است. بعد از انقلاب بلایی که

فولاد، به دلیل حملات مکرر هواپیماهای عراقی در اواخر اسفندماه سال گذشته و اردیبهشت ماه امسال، علی‌رغم ظاهر سازی‌هایی برای فعال نشان دادن آن، در حال رکود و تعطیل است. نوره، دیگر واحد بزرگ صنعتی اهواز نیز بدلیل کمبود برق که ناشی از تعطیل شدن واحد تولید برق زرگان است، در آستانه تعطیلی است. کمبود اعتبار نیز، که از عوارض غیر مستقیم تدویم جنگ است، فشار زیادی بر روی صنایع خوزستان وارد می‌سازد، به حدی که برخی واحدهای صنعتی

رژیم بر سر این مجتمع آورده، همواره مثل زدن بود. در مرحله نخست ۷۰۰ نفر از کارگران شاغل در بیمانکاربهای طرف قرارداد با صنایع فولاد (فاسترویلر، تهران جنوب، مانا و ماتین سازی پارس) از کار بیکار شدند. در سال ۶۰ بنا بر طرحی که از سوی موسیانی، مدیریت آن هنگام این مجتمع (وزیر اسبق معادن و فلزات و نماینده فعلی مجلس) پیش برده شد، حدود ۶۰۰ گروه تعاونی از ۴۰۰۰ نفر کارگرانی که قبلا در بیمانکاربهای مذکور شاغل بودند، تشکیل شد. حول این تعاونی‌ها تبلیغات زیادی به راه انداختند. اما نتیجه چه شد؟ تعاونی‌ها به تدریج غیر فعال و نهایتا منحل شدند. کارهای مجتمع فولاد به بیمانکاربهای سرمایه‌داران بزرگ سپرده شد. آنها تعاونی‌های کارگران را پس زدند و خود عهده‌دار امور شدند. رژیم تعاونی‌های کارگران را منحل کرد. بهانه آن بود که این تعاونی‌ها کارهای خود را به موقع انجام ندادند و از تخصیص لازم بی‌بهره‌اند. رشوه‌های کلانی که شرکت‌های بیمانکاری به مسئولین مجتمع فولاد و مقامات استان دادند، روند کنار زدن این تعاونی‌ها را سریع کرد. آنها با رقابت از موضع قدرت و پول، به تدریج صنایع فولاد اهواز را در چنگ خود گرفتند.

در این شرکت‌های بیمانکاری فشار بر روی کارگران دم افزون است. آنها را اخراج می‌کنند. و بابه اجبار وامی دارند که باز خرید شوند.

پس از بمباران این مجتمع در تاریخ ۶۴/۱۲/۲۸ که مصادف با شروع تعطیلات نوروزی بود، کارگران در روز سه شنبه ۶۵/۱/۵ به کارخانه مراجعه کردند. اما کارخانه فعالیت نداشت. به آنها گفتند "مرخصی" شان تمدید شده است. تگرانی کارگران به جهت امکان از دست دادن شغلشان، افزایش یافت. در جریان بمباران چند واحد مهم در مجتمع از جمله واحدهای اج-وای-ال، واحد ورق، آزمایشگاه تن‌سن، انبارهای احیاء، انبار ابزار دقیق، واحد ذوب شماره ۲، واحدهای اکسیژن، انبار برداشت، انبار ذوب، و ایستگاههای برق خسارت دیده بودند. بمباران مجدد مجتمع در روز ۶۵/۲/۱۱ کارگرانی را به اوج خود رساند. گروهی از کارگران را با تهدید بر این که اگر از رفتن به جبهه امتناع ورزید، به دلیل خسارت دیدن مجتمع از کار بیکار می‌شوید، راهی جبهه ساختند. ساعت کار عده‌ای دیگری از کارگران را تغییر دادند و عمدتا به شهبان منتقل ساختند. بقیه در صفحه بعد.

بقیه از صفحه ۹

این جو بحرانی در مجتمع باعث شد کارگران برخاسته‌های مطالباتی خودیافشاری نکنند. در سال جدید حرکت‌های اعتصابی در مجتمع صنایع فولاد، نخست از شرکت رنگ آمیزی برکه آغاز شد. در روز ۲۰ فروردین کارگران در اعتراض به زیاد بودن ساعات کار (۱۰ ساعت در روز)، عدم پرداخت حقوق روز جمعه، عدم دریافت حق اضافه کاری، سختی کار و نداشتن امکانات ایمنی و بیمه نبودن، به صورت نشسته در محل کار خود دست به اعتصاب زدند. پیش از آغاز اعتصاب، کارفرما ۶ نفر از کارگران را که حاضر نشده بودند در روز جمعه در سرکار حاضر شوند، اخراج کرده بود. همین امر جرقه را زد و کارگران بلافاصله، به گونه‌ای هماهنگ اعتصاب خود را آغاز کردند. بازگرداندن کارگران اخراجی به سرکار موضوعی بود که بردیگر خواسته‌های کارگران افزوده شد. تلاشها و رفت و آمدهای نماینده وزارت کار نتوانست کارگران را عقب براند. بالاخره اعتصاب موفق شد و بخشی از خواسته‌های کارگران پذیرفته شد. تعیین دقیق ساعات کار به جلسه‌ای در روز ۱۰ اردیبهشت موکل شد. در بهارن مجدداً صنایع فولاد، قسمت رنگ آمیزی برکه آسیب دید. هوایپماهای عراقی تلاش رژیم را تکمیل کردند و شرکت برکه در آستانه تعطیلی قرار گرفت. در روز شنبه ۶۵/۲/۲۱ اعلام شد که این شرکت بسته می‌شود. به این ترتیب گروه دیگری به خیل بیگانان پیوستند.

تقریباً همزمان با اعتصاب کارگران شرکت برکه، کارگران شرکت پیمانکاری اهرم تکنیک که در قسمت آهک صنایع فولاد، فعالیت دارد دست به اعتراض برای برآورده شدن خواسته‌های خود زدند. مهمترین خواسته کارگران تقلیل ساعات کار (ده ساعت و نیم در روز) و تنظیم زمان آغاز و پایان آن بود. این حرکت اعتراضی به هدف‌های خود دست یافت. در بخش‌ها و شرکت‌های دیگر فعال در مجتمع فولاد نیز با الهام از اعتراضات کارگران شرکت برکه و شرکت اهرم تکنیک زمره اعتصاب بالا گرفت. بهارن ۱۱ اردیبهشت که ۶ کشته و تعدادی زخمی به جا گذاشت، در مبارزات کارگران صنایع فولاد وقفه میمی ایجاد کرد. یکبار دیگر نشان داده شد که تداوم جنگ علاوه بر مجموعه مصایبی که به بار می‌آورد، تا

خوزستان جنگ زده



این است "ثمن جنگ" زندگی در آوارگی.

این است خوزستان جنگ زده و آواره.

می‌شود. روی دیگر سکه اخراج کارگران، تشدید استثمار کارگرانی است که بر سر کار باقی می‌مانند. همپای اخراج کارگران خاصه در صنعت نفت سیاست بازنشسته کردن کارگران مسن نیز پیش گرفته می‌شود. برای رژیم بازنشسته کردن به معنی کاستن از تعداد "نان‌خور" هاست. کس دیگری جای این بازنشسته‌ها را نمی‌گیرد.

در شرکت نفت، پس از آن که کلیه مزایای بازنشستگان را قطع کردند، طی بخشنامه‌ای اعلام کردند که به بازنشستگان تنها معادل یک ماه حقوق به عنوان پاداش بازنشستگی تعلق می‌گیرد. رژیم بدین ترتیب دست به یک سرقت آشکار زده است. وزارت نفت بر صندوق بازنشستگی و پس انداز کارکنان شرکت نفت چنگ انداخته و این کارکنان را از پاداشی که می‌بایست از طریق این صندوق که فراهم آمده از پیراختی‌های خود آنان است، محروم ساخته است. این دزدی آشکار نفرت وسیعی را در میان بازنشستگان شرکت نفت دامن زده است.

فقر و مصیبت در روستاهای

خوزستان

تلخکامی روستائیان خوزستان، خارج از وصف است. آن‌ها از یک سو با فقریت جنگ رودر رو قرار گرفته‌اند، و از سوی دیگر با هجوم خان‌ها و شیوخ مواجه‌اند. فقدان امکانات کشاورزی و فقر و فلاکت عمومی نیز روستاهای این خطه را ماتمزده و ویران ساخته است. روستاهای مناطق دشت عباس و

چه حد باعث تضعیف توان جنبش کارگری می‌شود. از دیگر اعتصابات کارگری در خوزستان در سال جاری می‌توان به اعتصاب سه روزه کارگران کارخانه آجریزی چنگیمه در اهواز اشاره داشت. در این اعتصاب موفق که در تاریخ ۶۵/۳/۸ به وقوع پیوست، خواسته‌های کارگران عبارت بودند از کاهش ساعات کار، ۲۵ درصد حق اضافه کاری و افزایش دستمزد.

در خوزستان فشار بر روی کارگران برای اعزام به جبهه سنگینی بیشتری نسبت به نقاط دیگر دارد. مسئولین رژیم برای اعزام کارگران به جبهه به انواع ترفندها متوسل می‌شوند. آنها تنها با تهدید به اخراج، قادرند کارگران را به جبهه اعزام کنند. در برخی از کارخانه‌ها، بستن قرارداد جدید با کارگران قراردادی را، منوط به رفتن آن‌ها به جبهه اعلام کرده‌اند. اخیراً برای جبهه، قرعه‌کشی می‌کنند. در کارخانه سیمان فارسیت، بعد از این که نتوانستند "داوطلبی" برای رفتن به جبهه بیابند، بدین شیوه متوسل شدند و ۵۰ نفر را انتخاب کرده و به زور به جبهه فرستادند.

در خوزستان نیز مثل دیگر نقاط ایران خطر اخراج، نخست کارگران قراردادی را تهدید می‌کند. اخیراً در راه آهن ناحیه جنوب ۲۰ نفر کارگر قراردادی را، که عمدتاً در بخش‌های ساختمانی کار می‌کردند، اخراج نمودند. حجم کاری را که این عده انجام می‌دادند بین بقیه سرشکن کردند. این رویه‌ای است که در همه کارخانه‌ها و شرکت‌ها پیش گرفته

حمیدیه پس از این که از اشغال عراق بدر آمدند، به اشغال شیوخ درآمدند. در منطقه ایده، و شمال و غرب اهواز نیز وضع به همین صورت است.

کمبود بارندگی در سال‌های گذشته و سیل اخیر از میزان محصولات کشاورزی کاسته است. در بخش "سری" شهرستان ایده سیل اکثر مزارع گندم را نابود کرده است. پس از آمدن سیل در بهار، دهقانان بطور جمعی به شهر آمده، ابتدا به اداره کشاورزی و سپس به فرمانداری مراجعه کردند تا تقاضای کمک کنند. در اداره کشاورزی، صریحاً به آنان گفته شد: "دولت هیچ بودجه‌ای برای کمک به شما ندارد و خیلی که هنر کند، می‌تواند مخارج جنگ را تأمین کند.

در فرمانداری مسئولین و شخص فرماندار، با قیافه عوامفریبانه‌ای به سخنان آنان گوش کرده و سپس به منبر رفتند و در خصوص جنگ و لزوم شرکت دهقانان و فرزندانشان در جبهه‌ها، داد سخن دادند. آنها داشتن هر تقاضایی جز تقاضای برای اعزام به جبهه را کفر توصیف کردند. پس از این روضه‌خوانی‌ها کمیته‌چی‌هایی که دهقانان را در محاصره خود گرفته بودند، آنان را از فرمانداری دور ساختند و به زور روانه روستاهایشان کردند.

اخیراً در خوزستان نیز مثل دیگر نقاط کشور تبلیغات و قیافه‌های حول اراضی موات به راه انداخته‌اند. قابل کشت کردن این اراضی بودجه‌ای را می‌طلبد که از عهده دهقانان خوزستانی خارج است. هدف از مطرح ساختن اراضی موات پرده انداختن بر روی ممدستی باشیوخ در زمینه غصب اراضی دایر روستاهاست.

* * *

خوزستان تنها این نیست که در گزارش فشرده بالا توصیف کردیم. رنج خوزستان در سخن نمی‌گنجد. آیا تاکنون صدای شیون زنان خوزستانی را در مراسم عزاداری شنیده‌اید؟ خرمشهر را تجسم کنید، آبادان را، اندیشک را، شادگان را و نیز همه دیگر روستاها و مناطق ویران شده خوزستان را، کشته‌های کثیر این مناطق را در ذهن آورید و آن‌گاه ضجه مادران خوزستانی را به یاد آورید، نه یک تن، نه صدتن، ده‌ها هزار تن. ده‌ها هزار مادر ضجه می‌کشند. این است خوزستان! این است چهره‌ای از خوزستان. این است خوزستانی که خمینی بیش از این‌ها ماتمزده و ویران و عزادارش می‌خواهد

دفاع ضد هوایی لفظ برای صنایع نظامی

مسابقه جنون آمیز بمباران تاسیسات اقتصادی و صنعتی توسط رژیم های ارتجاعی ایران و عراق ابعاد فاجعه باری به خود گرفته است. طی دو ماه اخیر، بدون استثنا پالایشگاههای نفت تبریز، اصفهان، تهران، ماشین سازی اراک، ذوب آهن اصفهان، نیروگاههای اهواز، تبریز و... هدف حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفته اند. اکثر این تاسیسات فاقد تجهیزات کافی پدافندی هستند. رژیم جمهوری اسلامی تجهیزات پدافند هوایی را در صنایعی متمرکز کرده است که تولید آنها مستقیما در خدمت جبهه است. در گزارش از بمباران واحدهای صنعتی اصفهان و انتقال امکانات پدافندی آنها به صنایع نظامی آمده است؛

مجمع صنایع دفاع نظامی اصفهان در زیرین شهر واقع است. کار ساختمان مجتمع هنوز پایان نیافته است اما هم اکنون در آن پروژه های تولید قطعات تانک انگلیسی چیفتن و غیره با همکاری شرکتهای انگلیسی و سوئدی در جریان است. مسئولین رژیم به منظور جراست از این زرادخانه نظامی، علاوه بر انتقال امکانات پدافند هوایی واحدهای صنعتی اطراف اصفهان، تجهیزات فولاد مبارکه را نیز به آن منتقل کرده اند. و فولاد مبارکه را باده هزار کارگر در برابر یورش بمب افکن های عراقی بی دفاع گذاشته اند. آنان نداشتن امکانات دفاعی را در فولاد مبارکه بهانه کرده، نهار و چای کارگران را قطع کرده اند. و در اعتراض کارگران می گویند تجمع کارگران دور هم وجود کیسول های گاز خطر آفرین است. از این رو کارگران نهار خود را از خانه به همراه آورده و جدا از هم دیگر بخورند.

ذوب آهن تا کنون دوبار توسط هواپیماهای عراقی بمباران شده است. روز روشن هواپیماها پس از چولان بر بالای کارخانه، آن را بمباران کردند و رفتند. ۴۵ نفر زخمی شدند و گاز رسانی کارخانه چنان آسیب دید که آتش سوزی مهیبی در محیط کارخانه به

راه افتاد. همین بمباران سبب شد تولید کارخانه به مدت سه روز متوقف شود.

پالایشگاه اصفهان طی دور جدید بمباران شهرها، چهار بار هدف حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت. در جریان بمبارانهای اول و دوم مخازن قیرو گازوئیل، قسمت گازوئیل و خطوط انتقال مواد تا محل بارگیری آسیب دیدند. در بمباران اخیر ۲ نفر کشته و ۱۵ نفر به شدت زخمی شدند.

نیروگاه شهید محمد منتظری در مسیر جاده تهران - اصفهان و در نزدیکی پالایشگاه واقع است. اخیرا هواپیماهای عراقی دوبار آن را مورد حمله قرار دادند. اگر چه در حمله نخست بمب های ریخته شده عمل نکردند اما در بمباران بعدی، تاسیسات برق محوطه نیروگاه و از جمله یک ترانس به کلی از بین رفتند و ۲ واحد ۲۰۰ مگاواتی نیروگاه که به تازگی راه اندازی شده بودند از مدار خارج شدند. همین آسیب ها باعث شد که ساعات خاموشی در شهر افزایش یابند و هنگام شب و لنتاژ شبکه های ۲۰ کیلو وات به حدود ۱۷ کیلو وات کاهش یابند.

نیروگاه شاه آباد اصفهان (اسلام آباد) در ابتدای اتوبان ذوب آهن یک بار به شدت بمباران شد که طی آن دو نفر کشته و ۱۵ نفر مجروح شدند. در این بمباران به واحد تولید برق شماره یک با قدرت ۲۷/۵ مگاوات، شماره ۲ با قدرت ۲۷/۵ مگاوات و شماره ۳ با قدرت ۱۴ مگاوات آسیب های جدی وارد آمد. بنحوی که در آینده نزدیک امکان راه اندازی مجدد آنها وجود ندارد. واحد شماره ۴ که با قدرت ۲۲۰ مگاوات به تازگی راه اندازی شده بود در پی این حمله از سرویس خارج شد. کار در واحد شماره ۵ که توسط مقاطعه کار ایتالیایی نصب می گردد، متوقف شده است. شرکت ایتالیایی بدنبال این بمباران و به بهانه مشکلات پدید آمده، ۸۰۰ کارگر و تکنیسینی را که در این پروژه کاری کردند، اخراج ساخت.

مبارزه روستائیان زنجان برای جلوگیری از بنای پادگان

اوایل خرداد ماه، بین روستائیان منطقه جاده قدیم زنجان و ژاندارمری وسیاه درگیری شدیدی رخ داد. درگیری از آنجا آغاز شد که سپاه علی رغم مخالفت روستائیان، تصمیم گرفته است در زمینهای آنان در اطراف جاده سابق زنجان - حسین آباد، برای خود پادگان نظامی بسازد.

در این روزهای وسیاه، ژاندارمری فرماندار زنجان به منظور آغاز عملیات ساختمان پادگان در منطقه جمع شده بودند. اهالی روستا دسته جمعی به اقدام سپاه اعتراض کرده و با خوابیدن در مقابل لودر از آغاز عملیات جلوگیری کردند. مامورین ژاندارمری به دستور فرماندار با روستائیان درگیر شده و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

مهاجر



اونیز بالاخره ناکزیر به ترک روستای خود شده است. و اکنون در شهر سکونت دارد. سکونت کنه، چونکه سریناهی ندارد. اناشه مختصرش را در کنار خیابان ریخته و به آنچه که بر او روا داشته اند می اندیشد.

مولانا جلال الدین محمد مشهور به مولوی

خرزان

ای باغبان، ای باغبان، آمد خزان، آمد خزان
بر شاخ و برگ ازدرد دل، بنگر نشان، بنگر نشان
ای باغبان، همین گوش کن، ناله درختان نوش کن
نوحه کنان از هر طرف، صد بی زبان، صد بی زبان
حاصل، در آمد زاغ فتم، در باغ و می کوبد قدم
پرسا بافون و ستم، کو گلستان؟ کو گلستان؟
کوسمن و کونسترن، کو سرو و لاله یاسمن؟
کو سبز پوشان چمن؟ کو ارغوان؟ کو ارغوان
کو بلبل شیرین فتم؟ کو فاختمه کو کو زخم؟
طاووس خوب چون صم؟ کو طوطیان؟ کو طوطیان؟

جمله درختان صف زده، جامه سیه ماتم زده
بی برگ و زار و نوحه گر، زان امتحان، زان امتحان
ای لکک و سالارده، آخر جوایی باز ده
در قعر رفتی یا شدی بر آسمان، بر آسمان؟
گفتند: ای زاغ عدو، آن آب باز آید به جو
عالم شود پر رنگ و بو، همچون جنان، همچون جنان؟
ای زاغ بیهوده سخن، سه ماه دیگر صبر کن
تا در رسد کوری تو، عید جهان، عید جهان
تا کی از این انکار و شک، کان خوشی بین و نمک
بر چرخ پرچون مردمک، بی نردبان، بی نردبان
میرد خزان، همچود، بر گور او کویی لکک
لک صبح دولت می دمد، ای پاسبان، ای پاسبان
ای آفتاب خوش عمل، باز آ سوی برج حمل
نی بیخ گذارونی و حل، عنبر فشان، عنبر فشان
گلشن پر از شاهد شود، هم پوستین کاسد شود
زاینده و والد شود، دور زمان، دور زمان
بلبل رسد، بریط زنان وان فاختمه کو کو کنان
مرغان دیگر، مطرب بخت جوان، بخت جوان
خاموش و بشنو ای پدر، از باغ و مرغان نوخیز
پیکان پرن آمده از لامکان، از لامکان

چگونه به تبیین این انفصال می‌پردازید؟
رفقای عزیز!

از مرز تراشی حرکت نکنید، در جهان جای کوچکی برایتان می‌ماند. به قول یک شاعر معاصر ارمنی دوره هملت‌ها به سر رسیده است. روزگاری بود که هملت نمی‌توانست تصمیم بگیرد او انسان منزله و بزرگوار بود. نمی‌خواست خطا کند. او در این که قاتل پدرش کیست تردید داشت. تلاش کرد. به نقش آفرینان نیز توسل جست تا معصای ذهنی او را حل کند. اما جهان، اکنون آن‌گونه نیست. جهان معاصر ما با همه پیچیدگی‌های خود ساده است. امپریالیسم قاتل همه "پدر" هاست. و در اینسو سوسیالیسم ایستاده است. آیا هنوز تردید جایز است؟ مشخص‌تر سخن گوئید. حقیقت مشخص است. آبا هنوز تردید جایز است؟ پس مادر زبیر یک سقف ایستاده‌ایم، سقفی که پایه آثار مارکسیسم - لنینیسم و ستونهای استوار آنها را کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیستی تشکیل می‌دهند. کجا می‌خواهید بروید؟ آنسوتر هیچ خبری نیست. دست کم برای شما هیچ خبری نیست.

ممکن است بگوئید که مادر ماده ۵ بخشنامه خود پاسخ این ایرادات را داده‌ایم. شما در آنجا گفته‌اید که دفاعتان از اردوگاه سوسیالیسم، نمی‌تواند حلقه اتصالتان با ما باشد. طبیعتاً نحوه دفاع امروزیتان از سوسیالیسم عملاً موجود است، ستر از آن است که بتواند حلقه اتصال مستحکمی بین ما باشد. حلقه‌های مختلف را بیازمایید. در آغاز نه برای اتصال با ما، بلکه برای اتصال با همه آن پدیده‌هایی که در جهان امروزین ما تجسم عینی مارکسیسم - لنینیسم هستند. اگر به حلقه مستحکمی دست یافتید آنرا عرضه کنید، به همگان عرضه کنید و آنگاه در زمینه تلاش امروزیتان برای مرزبندی تعینی، با ما به قضاوت بنشینید.

ما حرکت شما را در رابطه با آشوب آفرینی در خارج از کشور، از اعلامیه مشترک‌تان با آن جماعتی که نامشان را بردیم و توصیفشان کردیم تا بخشنامه اخیر، مثبت ارزیابی می‌کنیم. این حرکت می‌بایست ادامه یابد. جای شما در آن کمیته‌های آشوب آفرینی نبود. اکنون به‌جایی رسیده‌اید که نمی‌دانید در کجای جهان ایستاده‌اید. این حرکت بی‌گمان تابی از حرکت عمومی سازمان شاست. نیروی محرکه این حرکت

"نیروهای مترقی و انقلابی" اسبق منزوی شد. "راه کارگر" با پرنسیب‌تر از آن بود که با توکل‌گرایان و ضد کمونیست‌های حرفه‌ای و مجموعه آن نیروهایی که خود این سازمان از نزدیک با آنان آشناست، برای همیشه همدست و همصدا بماند. "راه کارگر" دانست که نمی‌تواند در مصاف با ما شعارهای آشوب آفرینان حرفه‌ای را تکرار کند.

پیرامون بخشنامه جدید "راه کارگر"

همان شعارهایی که لاپد به کوش نویسنده مقاله "اکثریت و نعل وارونه دمکراسی" ("راه کارگر" شهریور ماه) نیز رسیده است.

بنابراین لازم شد خط‌تازه‌تری پیش گرفته شود. ماحصل بحث و فحش‌ها، بخشنامه نشریه "راه کارگر" شهریور ماه از آب درآمد. بدینسان دیده شد که "سازمان کارگران انقلابی ایران" (راه کارگر) برای رسیدن به خط‌تازه در عرض همین چهار پنج ماه چه مشکلاتی را متحمل شده است. این سازمان در هرگامی که در این مسیر برداشت ناچار شد مشخص‌تر سخن گوید. ابتدا بنا بود که "نباشند!"، آنگاه گفته شد "نباشند، اما ما با درگیری فیزیکی مخالفتیم" و حالا گفته می‌شود "اگر آنها باشند، ما نیستیم!"

جوهر بخشنامه جدید همین جمله آخر است. در این بخشنامه صراحتاً خطاب به ما گفته شده است: "آقایانی که به ما درس دمکراسی می‌دهید، آیا این را نیز جزو حقوق دمکراتیک ما به رسمیت می‌شناسید که با شما... زیر یک سقف نایستیم؟" (ماده ۲) پاسخ ما چنین است: شما مختار و آزادید. اما در عین حال متعهدید. به مارکسیسم - لنینیسم متعهدید، به جنبش جهانی کمونیستی متعهدید، به انقلاب متعهدید. اگر پای این تعهد خود ایستاده‌اید بنا بر این، آنقدرها هم "آزاد" نیستید. منظورمان در ماده سوم این بخشنامه از "سقف" چیست؟ اگر مکانهای مسقف در خارج از کشور است که خوب، با این بخشنامه خودتان را محدود می‌کنید. اگر مکانهای مسقف در داخل کشور است، مشکلاتتان بیشتر می‌شود. اگر منظورتان از "سقف"، یک مقوله معنوی نیست و این سقف پارسیسی وایدئولوژیک دارد، در آن صورت

راه کارگر و جناح توکل تا بدان حد وحدت نظر داشتند که فراموش کردند همه روابط خود را با یکدیگر قطع کرده‌اند. اما این وحدت نظر نتوانست به‌طور کامل به وحدت عمل منجر شود. توکل‌گرایان بر عمل پای فشردند و بنا بر هژمونی خود در کمیته‌های مذکور به نظر غالب در این کمیته‌ها وفادار ماندند. آنها در جمعیت عده‌ای دیگر از هم‌سخن‌های خود در

برلین غربی و پس از آن در دارمشتات و فرانکفورت آشوب به‌پا کردند. راه کارگر دچار ناپیکیری گشت. تناقض، عیان شده بود. همان تناقضی که مادر مقاله "اکثریت" شماره ۱۱۴ بر آن انکشت نهادیم. ابتدا اعلامیه واحد برلین غربی کمیته خارج از کشور "راه کارگر" صادر شد. اما این اعلامیه هنوز زیر تاثیر فضای آن کمیته‌های هماهنگی بود. اعلامیه ۸۶/۵/۲۴ خود کمیته خارج از کشور، خواست تا ضعف اعلامیه اول را بپوشاند و تاثیرات "توکل" اعلامیه اول را خنثی کند. در این اعلامیه اعتراف شد که آشوب برلین غربی کار توکل‌گرایان بوده است. اما "راه کارگر" با مرز بندی صوری با اقلیت نتوانست هویت خود را در برابر مقوله معینی به نام آشوب آفرینی در مراکز تجمع ایرانیان در خارج از کشور روشن کند. باز حرکت از مرز بندی، بدون بیان یک نکته اثباتی، رویه همیشگی "راه کارگر".

حواداران "راه کارگر" در فرانکفورت کوشیدند خط‌تازه را پیش ببرند. ناپود کردن میسر نشده بود. خط جدید تصریح می‌کرد همراه با آشوب آفرینان تا آستانه درگیری پیش بروید و پس از آن عقب بکشید. حاصل کار را دیدیم و تاثیر عملی این خط را در حواداران "راه کارگر" در فرانکفورت، در مقاله پیشین توصیف کردیم. تجربه و عمل همواره برای "راه کارگر" مثبت بوده است. این نکته مثبتی در این سازمان است. خط جدید هم در مقام تجربه از کار، کارآ بیرون درنیامد. "راه کارگر" را به شهادت اعلامیه‌های منتشر شده از سوی آشوب آفرینان، از کمیته‌های هماهنگی برای آشوب آفرینی اخراج کردند. "راه کارگر" در میان آن "عموم گروه‌های سیاسی" سابق و آن

ما در شماره ۱۱۴ نشریه از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) پرسیده بودیم که شما در آرکستر ناموزون آشوب آفرینان در خارج از کشور، کدام ساز را می‌نوازید؟ در راستای این پرسش اساسی سئوالهای دیگری رانیز در برابر "راه کارگر" نهاده بودیم. اما "راه کارگر" به سئوالات ما پاسخ نگفته است. در عوض در شماره شهریور ماه نشریه خود مقاله‌ای به چاپ رسانده که تنها حکم بخشنامه‌ای را دارد برای راهنمایی حواداران خود این سازمان. "راه کارگر" در همین چند ماه اخیر، برای صدور این بخشنامه جدید، راه سختی را پیموده است. این سازمان در آغاز این راه، هدف خود را "ناپودی" ما قرار داد و متأسفانه با عده‌ای دیگر نیز که همین هدف را دارند و هویتشان و با این که ماموریتشان رسیدن به این هدف است، هم پیمان شد. راه کارگر در برلین غربی و فرانکفورت، به شهادت اعلامیه‌های صادر شده، در کمیته‌های هماهنگی برای حذف ما از مکانهای فروش نشریات در دانشگاههای آلمان فدرال شرکت جست و پای اعلامیه‌های مبتدلی همچون اعلامیه ۸۶/۵/۲۲ این کمیته‌های هماهنگی را امضا نهاد. در کنار امضای "راه کارگر" در زیر اعلامیه کمیته هماهنگی برلین غربی، این امضاها نیز به چشم می‌خورد: "سازمان دانشجویان ایرانی حوادار سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران آلمان غربی (جناح توکل)، جریان انقلاب سوسیالیستی، پیکارگر، انجمن حواداران مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک، جمعی از دانشجویان وینامندگان ایرانی در برلین غربی (۴)، اتحاد دانشجویان سوسیالیست انقلابی". ترکیب کمیته فرانکفورت نیز با کمیته برلین غربی چندان فرقی ندارد. عده‌ای هستند که پاهای اصلی آنها را ضد کمونیست‌های حرفه‌ای (راه کارگر با چند درجه تخفیف آنها را فقط ضد لنینیسم می‌نامد)، حواداران پیکار سابق (به قول خودشان حواداران سابق پیکار) و بالاخره مرد میدان آشوبگرها، جماعت توکل‌گرایان تشکیل می‌دهند.

در آغاز، بنا بر توسیف اعلامیه ۸۶/۵/۲۴ کمیته خارج از کشور "راه کارگر"، حرکت این کمیته‌ها مبتنی بر "وحدت نظر عموم گروه‌های سیاسی" شرکت کننده در آنها بود. در این کمیته‌ها همچنان که در اعلامیه ۸۶/۵/۲۲ برلین غربی می‌بینیم حتی

آنکه نامخت از گذشت روزگار

این کشورها را مرجع کرده و بیاری می طلبید برای جناح توکل این نشیب راه است؟ مبادا که چنین باشد. ولی آنانی را که از همه این سالها هیچ نیاموختند و بسا چیزها را که فراموش کردند، سرانجام مخوفی در انتظار است. آنان آیا می توانند آنچه را که از آن سالهای دور هنوز فراموش نکرده اند از پشت زنگارهای ضخیم سیاه بیرون کشیده و رها نمی یابند؟ آرزوی ما اینست.

* * *

سقوط آنان است. به کار برد توانی نیازمند نیست. کافی است آماجی را که در فراز نشانه کرده بودی فراموش کنی و رها کنی. ندوم سرکشگی، حرکت به سوی پستی را ناکزیر می کند. اما جناح توکل این بخت بد را هم داشته که برای طی همین مسیر آنان، از یاریهای فراوانی بهره مند بوده است. یاری آنانی را نمی گوئیم که خود در نه دره جای دارند. این جماعت همان کرده اند که می بایست. بی ریشه هایی که با باد به هوس (و در پایان به اعمال) پرت می شوند و در خارج از کشور با عناوین بسیار و دعاری کُراف سرگردانند را نیز نمی گوئیم. بر آنان خرجی نیست. آن سازمانهایی را می گوئیم که زشتی روش جناح توکل را درمی یابند و به آن اذعان داشتند، اما هنگامیکه جناح توکل به بلوا آفرینی از طریق برخورد با سازمانی می پرداخت که اینان آن را خوش نمی داشتند، شعشان را نمی توانستند پیشه دارند و خود را آلوده به پشتیبانی از توکل کردند. اکنون که آن رفتار در تداوم منطقی خود، مرزی را شکسته و عقوبت بیگانه بین آن پدیدار شده است، این سازمانها وظیفه دارند با بازاندیشی به آنچه که کرده اند مسئولیت خود را دریافته و در تبری از آن نه تنها منتهای راه که همه مراحل پیشین را نیز محکوم نمایند. اینکه اینان در همدستی با بدکاریهایی جناح توکل خطا کرده اند، تأسف آور است، اما اگر اکنون نتوانند وظیفه خود را در قبال آن با برخوردی صادقانه و شجاعانه دریابند چیزی فراتر از آن خواهد بود. اقلیت از گذشت روزگار نیاموخت. اکنون گذشت روزگار اقلیت درسهای بسیاری می دهد. از روزگارش بیاموزید.

می بینیم. چنان شده اند که دیگر کسی نمی داند آنان را چه بنامد. مصطلح ترین عنوانشان "جناح توکل" است، چه حقارت بار! اینان که اند و از کجا آمده اند و چرا با خود چنین کرده اند؟ حیف آنان که اکنون در جنبش به طاعونی مطرودی مانده شده اند، تنها، خشمگین و درمانده. این همه حق آنان نبود. اگر چه خود کرده اند و در متل می گویند که "خود کرده را هیچ تدبیر نیست".

* * *

انگیزه ما در نظر بر روزگار اینان، گام بلندی است که اخیرا بسوی انحطاط برداشته اند و در پاریس و فرانکفورت نمود یافته است. در این دو شهر چه کرده اند؟ در فرانکفورت این پار فارغ از هر ننگ و نامی به پلیس مراجعه کردند، آنان را به محل فعالیت هواداران سازمان ما در دانشگاه کشاندند و با پرونده سازی کوشیدند این امکان را فراهم آورند که آنان بتوانند مانع کار کرد مبارزاتی فدائیان خلق گردند. در پاریس به مقامات قضائی فرانسوی مراجعه و علیه مجاهدین طرح شکایت کردند تا دولت فرانسه بتواند برای مجاهدین محدودیت های نازهای فراهم آورد. این کارها به چه معنی است؟ شاید بوزخند زنان پاسخ داده شود که "جناح توکل" است دیگر! نکته نازهای که نیست؛ مگر کم بلوا آفریده؛ اینکه چیزی نیست، همدیگر را هم می کشند.

اما حقیقت این نیست. در مناسبات میان نیروهای ایرانی در خارج از کشور ناپسمانی های درد انگیزی وجود دارد، اما از دیرباز، از سالهای بسیار دور، سنت پسندیده ای شکل گرفته و باقی مانده است که بر مبنای آن این نیروها به هیچ رو در حل اختلافات میان خود مداخله پلیس و دیگر دستگاههای حکومتی کشورهای غربی را نمی پذیرفتند. علیرغم هر چیزی، این سنت تا به امروز پاسداری شده است. هیچ کس، هر چه که منصف، جرات نکرده است آشکارا آنرا زیر پا نهد. اکنون جناح توکل در روند سقوط آزاد به این انجام درد انگیز رسیده که این سنت شریف را گستاخانه و آشکارا لگدمال کرده و برای بازداشتن آن کسانی که مخالف خود می پندارد، مستقیما به پلیس و مقامات حکومتی

بغیبه از صفحه آخر سقوط اقلیت آغاز آرامی داشت اما بتدریج تندی گرفت. در طبیعت، وقتیکه سقوط آغاز می شود از شتاب گریزی نیست. طبیعت قانون زمخت خود را دارد. در جامعه اما همواره چنین نیست. هرگاه که سقوط ناشی از ضرورتی ماهوی نباشد، آگاهی اگر به هنگام بیاری بیاید، می تواند روند را بازگرداند. اما آگاهی همان عنصری بود که اقلیت در بهره گیری از آن دیگر توانائی اندکی برای خود باقی نگذاشته بود. پس دوراندیش ها (و نه فقط آنان) نگران از عاقبت تیره ای که پدیدار می گشت و در نفرت از پلشتی فزاینده، خود را از میانه آنچه که همچنان اقلیت نامیده می شد، بیرون کشیده و جدا شدند.

اقلیت در همان سالهای سقوط آرام، از آن سن شریف سازمان ما، از شرق آموختن، ظهور در نقد کردن و جمارت در کار بست آنچه که دریافته می شد، فاصله گرفته بود. فاصله کم به کم اما دم به دم افزوده شده بود. دانش انقلابی به ششیر می ماند. در کف هر کسی جا نمی گیرد. دستان شمشیر زن خیره نه فقط با قبضه شمشیر خومی گیرد، که با آن شکل گرفته و ترکیب می شود. دانش انقلابی و شور و شوق مبارزاتی توأمان یکدیگرند، برهم سوار می شوند و در یکدیگر می دمند، درهم ترکیب می شوند، یگانه می شوند و به سوی فراز عروج می کنند.

اقلیت آن بازمانده دانش را چگونه می توانست به کار بندد، وقتیکه در شوق و شوری در خور تنیده نشده باشد؛ از بازمانده شور چگونه می توانست بهره بگیرد وقتی که نادانی ستوده می شود. شور و شوق مبارزاتی از سرشتی است که سرشار از عشق به مردم است و لاجرم به سازش با دشمن نمی آید. اما سالهای سقوط، گنج سری را افزوده کرد و دیگر همه چیز، نه هنوز بازگشته، که کج و معوج شد. کدام مردم و که دشمن است؟ نه فقط با دشمن، با کسانی دشمنی کردند که دوست بودند؛ نه فقط با دوست، به کسانی مهر ورزیدند که دشمن بودند. دیگر از شوق و شوره می ماند؛ بر آنچه که ماند زنگار سیاهی نشست که به سوی ژرفا می رفت. اقلیت چه چیزهای شریفی را که فراموش کرد! بدینگونه، سقوط پر شتاب شد و اقلیت به آنجا رسید که اکنون

چیست؟ در مورد این نیروی محرک تنها خود شما تصمیم گیرنده نیستند. شما مایلید فقط از زاویه منافع گروهی خود حرکت کنید. ارزیابیتان از خودتان و از دیگر نیروهای جنبش غیرواقعی است. به میزان زیادی هم خودتان ارزیابی های غیرواقعی تان را غیرواقعی تر ارائه می دهید. مثلا دوست دارید ما آن چیزی باشیم که شما در لحظه فعلی دلتان می خواهید. از همین نظر تلاش می کنید بر سیمای ما غبار بپاشانید. نشریه مردامه شما تجسم این تلاش است، فحاشی های نشریه اخیرتان نیز. مواضع مارا تحریف می کنید، ارزیابی مسئولانه سازمان ما را از گذشته خود به عمد در زیر سایه می برید و گمان می کنید با این شیوه به خود "هویت" می بخشید. این نیروی محرک، این گونه حرکت از مواضع سکتاریستی و غیرمسئولانه، تنها نیروی خودتان را به هرز می دهد. اما موتور حرکت شما فقط این نیست. گفتیم که شما آنقدرها هم "آزاد" نیستید. یابنده، به امر انقلاب، پایبندی؛ به مارکسیسم - لنینیسم و پذیرفتن اصل انترناسیونالیسم پرولتری، فید و بندهایی با خود می آورد. تجربه کردن و عمل کردن، چفت و بست ایس فید و بندها را محکمتر می کند. این "فید و بندها" به شما جهت می دهد، حتی اگر موتور اول، مسیر دیگری را پیش پایتان بگذارد. اما شما از این الزامات عینی، فقط به طور کلی حاضرید سخن گوئید. به مقوله اتحاد بنترسیم. دریافته اید که بی اتحاد نمی توان کاری از پیش برد. شاید با آکراه به این نتیجه رسیده باشید. فهمیده اید که تعهد به انقلاب، مجبورتن می سازد. اما می خواهید به این اجبار گردن ننهید. از این مقوله فقط به طور کلی حاضرید سخن گوئید. خطاب به یک سلسله "نیروهای انقلابی" موهوم اعلامیه می دهید. چرا اسشان را نمی گوئید؟ چرا نمی گوئید برنامه تان برای اتحاد کلی چیست؟ باز هم کلی سخن خواهید گفت. اما تاکی می توان فقط با این و آن مرز کشید و تکلفت که از این جهان بزرگ چند متر مربع به من نوعی می رسد. حرف مشخص بزنید. طلسم کلی گوئی را بشکنید. برنامه بدهید. بتویید عوینتان چیست. شما که خوب به معنا و مفهوم "بحران هویت" آشنا هستید. ارزیابی تان را از خود و دیگران واقعی کنید. شما هنوز به مساله قدیمی "بحران هویت" پاسخ نگفته اید.

در جشن "اومانیته"



اومانیته ادامه داشت فعالیت‌های فدائیان خلق در فرانسه، برای افشای هرچه وسیعتر رژیم خمینی و جلب گسترده‌ترین همبستگی با مردم ایران، ستایش برانگیز بود.

حزب توده ایران یکی دیگر از سازمان‌های شرکت کننده در این جشن بود. رفقای توده‌ای با برپایی غرفه "نامه مردم" و ارائه نشریات، بولتن‌ها و بروشورهای متعدد، به افشای تبهکاریهای رژیم ولایت فقیه پرداختند.

دیگر شرکت کننده ایرانی جشن اومانیته، حزب دمکرات کردستان بود. بازدیدکنندگان از غرفه‌ای که توسط این حزب برپا شده بود، با گوشه‌هایی از مقاومت خلق کرد در برابر تجاوزات و جنایات رژیم جمهوری اسلامی آشنا می‌گردیدند.

جشن اومانیته در محبلی از احساسات پرشور ضد امپریالیستی و در فضایی که دوستی و همبستگی مبارزاتی در آن موج می‌زد، پایان یافت.

خمینی و سختگوی بیکار قهرمانانه فداییان خلق علیه پیدادگری جمهوری اسلامی بود. غرفه "کار" یا طرح‌های زیبای ایرانی و شعارهای دارای مضامین ضد جنگ و اختناق و خواست آزادی زندانیان سیاسی میهن ما و همبستگی بین‌المللی تزیین شده بود. این غرفه مورد بازدید عده بسیاری از مردم قرار گرفت. بازدیدکنندگان همبستگی خود را با مبارزات مردم ما ابراز داشتند. توزیع وسیع اسناد پلنوم به زبان فرانسه، نول دو ایران (اخبار ایران) و همچنین بروشور اطلاعاتی علیه جنگ ایران و عراق با استقبال چشمگیر شرکت کنندگان روبرو شد. نمایشگاه فجایع و مصایب جنگ ایران و عراق نیز مورد بازدید عده زیادی قرار گرفت و بازدیدکنندگان نفرت خویش را از ادامه جنگ بیان داشتند. برای ایرانیان مقیم پاریس که در این جشن شرکت کرده و از غرفه کار بازدید به عمل می‌آوردند، نشریات، کتابها و اعلامیه‌های سازمان به زبان فارسی وجود داشت. در طی دوروی که جشن

بازدیدکنندگان از نبرد نیروهای پیشرو جهان بود.

جشن اومانیته در شرایطی برگزار گردید که دولت دست راستی شیراک طرفندهای متعددی در تنگ کردن عرصه فعالیت حزب کمونیست فرانسه بکار گرفته است. دولت شیراک طی شش ماهی که سکان قدرت را به دست گرفته، سانسور ضد کمونیستی شدیدی بر راه انداخته است. رسانه‌های دست راستی در ماههای اخیر، همه توان تبلیغی شان را در جهت خنثی ساختن همبستگی مردم فرانسه با خلقیایی که در راه رهایی و بهروزی بیکار می‌کنند، به کار گرفته‌اند. آنها در فضای بیمارگونه‌ای که پدید آورده‌اند، تلاش می‌ورزند تا سموم نژادپرستانه را در مردم تزریق نمایند. در چنین شرایطی حزب کمونیست فرانسه جشن اومانیته را به عرصه همبستگی با خلقهای جهان بدل کرد که حضور هیات‌های نمایندگی متعددی از آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین از جلوه‌های آن بود.

هیات نمایندگی سازمان ما، یکی از هیات‌هایی بود که در این جشن حضور داشت. سرپرست هیات نمایندگی سازمان، در این جشن با مسئولین و اعضای دیگر هیات‌های شرکت کننده دیدار و گفتگوهای ثمربخشی به عمل آورد. در این دیدارها شرایط کنونی میهن ما و مواضع سازمان تشریح گردید.

غرفه "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان، افشاگر تبهکاری‌های رژیم

جشن روزنامه اومانیته (ارگان حزب کمونیست فرانسه) به مقابله بزرگترین اجتماع سیاسی و فرهنگی فرانسه، امسال نیز در پاریس با موفقیت و شکوه فراوان برگزار گردید.

با وجود هوای بسیار نامساعد و باران شدید، ۶۰۰ هزار نفر از محل جشن دیدار کردند. جشن ارگان حزب کمونیست فرانسه، جشن آزادی، جشن همبستگی با خلق‌های در بند جهان بود. در محل جشن دهها غرفه برپا گشته بود که به احزاب و سازمانهای میهمان اختصاص داشت. غرفه‌هایی نیز ویژه بحث و تبادل نظر درباره سلاحهای اتمی و راههای جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی بودند.

در محوطه‌ای به مساحت ۲۵۰۰ مترمربع از محل جشن "دهکده کتاب" بمقابله نمایشگاه معتبری از کتابهای منتشره برپا شده بود. در این مرکز بخش مهمی از کار فرهنگی و سیاسی حزب کمونیست فرانسه به پیش برده می‌شد. هدف برپایی "دهکده کتاب" عرضه کتابهای منتشره شده به زبان فرانسه و تشویق به مطالعه بود.

در جشن امسال ۷۶ هیات نمایندگی از سوی احزاب کمونیست و سازمانهای سیاسی دیگر، از کشورهای مختلف جهان شرکت داشتند. احزاب و سازمانهای کمونیست و دمکرات از عزم راسخ مردم جهان در مبارزه علیه تجاوزگری‌های امپریالیسم و محافل وابسته بدان سخن می‌گفتند. راستای فعالیت نیروهای شرکت کننده در جشن جلب حمایت گسترده‌تر

لندن: همبستگی با کارگران چاپ

ماه گذشته تقاضات وسیعی در حمایت از ۵۵۰۰ کارگر چاپ که توسط رابرت مرداک سرمایه‌دار استرالیایی اخراج شده بودند، در لندن برگزار گردید. بدعوت کمیته برگزار کننده، زنان فدایی در بریتانیا در این تقاضات شرکت جستند و نماینده‌ای از سوی آنان به ابراد سخنرانی در همبستگی با مبارزه کارگران چاپ علیه اخراج پرداخت و حمله به حقوق اتحادیه‌ای را محکوم نمود. وی همچنین سیاست‌های ضدکارگری و زن‌ستیزانه رژیم خمینی را افشا کرد و راهپیمایان را در جریان مبارزه گسترش یابنده مردم ایران برای صلح، آزادی، عدالت و پیشرفت اجتماعی قرار داد.

پابره‌های سیاه

با سیاه‌های پابره‌ها، چندان فرقی نمی‌کند. اکثر فرقی می‌کرد شاید آپاراتی موضوعیتی نداشت. به عکس بنگرید. اراده‌شان را

اینجا سووتو است، شهر دو میلیون نفری سیاهپوست نشین در جاشیه (۱) ژوهانسبورگ. و اینان که می‌بینید سیاهانند، پابره‌های سیاه و



موج عملیات تروریستی در فرانسه

سخنرانی اورتنگا در کنگره جهانی سندیکاها

سه‌شنبه گذشته در برلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان، یازدهمین کنگره جهانی اتحادیه‌های کارگری آغاز به کار کرد. بیش از ۱۰۰ سخنران که طی چهار روز نخست کارکنان، به ایراد سخنرانی پرداختند، مسابقه تسلیماتی را به عنوان عامل تعیین کننده در کاهش سطح رفاه زحمتکشان محکوم کردند. سخنرانان، بر ضرورت برقراری پیوند میان مبارزه برای ترقی اجتماعی و پیکار در راه حفظ صلح تاکید ورزیدند.

از سخنرانان برجسته یازدهمین کنگره فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری دانیل اورتنگا رئیس‌جمهور نیکاراگوئه بود. وی در نطق خود گفت مزدوران آمریکا در جنگ کثیف خود علیه نیکاراگوئه تاکنون ۲۲ هزار تن، از جمله ۱۱۰۰ کودک زیر ۱۲ سال را به قتل رسانده‌اند. میزان خسارات وارده به نیکاراگوئه در این جنگ، ۲/۲ میلیارد دلار است.

نمایندگان بیش از ۲۰۰ میلیون عضو اتحادیه‌های کارگری از ۱۵۴ کشور که در کنگره برلین گرد هم آمده‌اند، همبستگی خود را با انقلاب نیکاراگوئه ابراز داشتند.

اخبار کوتاه

* هلی‌کوپترهای جنگی اسرائیل چند دهکده در دره بقاع لبنان را مورد حمله قرار دادند در این حملات ۲۱ سرباز فرانسوی نیروهای سازمان ملل به قتل رسیدند. عکس، ویرانی‌های ناشی از یورش هلی‌کوپتر اسرائیلی را نشان می‌دهد.



* در دوشهر شاریوبیل و سوتوی آفریقای جنوبی، نیروهای امنیتی رژیم بوتاهفته گذشته چهار نفر از مردم سیاهپوست را به قتل رساندند. شاریوبیل هفته گذشته شاهد اعتصاب ساکنان این شهر علیه اخراج عده‌ای از مستاجران از خانه‌هایشان بود.

* وزرای خارجه بازار مشترک اروپا پس از کشمکش‌های طولانی، نتوانستند به توافق برای قطع واردات زغال‌سنگ از آفریقای جنوبی دست یابند. بازار مشترک تنها به منبع ورود آهن، فولاد و سکه‌های طلا از آفریقای جنوبی اکتفا کرد.

* نیکلای تالیسین، معاون اول رئیس‌جمهوری وزیران اتحاد شوروی، از پکن دیداری به عمل آورد. وی دیدار خود را از چین گامی به پیش در مناسبات دو کشور دانست.

برباشد، از جمله موضع حزب کمونیست فرانسه در قبال رویدادهای اخیر این کشور را تشریح نمود. وی ضمن محکوم کردن تروریسم، اظهار داشت: "ما می‌گوییم بهترین راه برای تروریسم، نابود کردن ریشه‌های آن، از بین بردن سوداگری‌های ایدئولوژیک و سیاسی هم‌پیوند با آن و حل مسایل مورد اختلاف بین‌المللی در چارچوب مذاکرات و از طریق مسالمت‌آمیز است." وی در این مصاحبه اعلام داشت که "در طول حکومت ۶ ماهه دست‌راستی‌ها، سانسور ضد کمونیستی تشدید شده است. دیروز یکی از کانال‌های تلویزیونی از پخش مصاحبه مطبوعاتی پل‌لران (دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه) در رابطه با تروریسم خودداری کرد.

طی دو هفته گذشته، یک سلسله عملیات تروریستی در پاریس انجام گرفت. تاکنون در بمب‌گذاری‌هایی که مسئولیت آن را، گروهی به نام "کمیته برای آزادی زندانیان عرب" به عهده گرفته است، ده‌ها تن کشته و زخمی شده‌اند. این گروه خواهران آزادی ابراهیم عبدالله، رهبر یک گروه افراطی شیعه لبنانی شده که به اتهام انجام عملیات تروریستی در فرانسه به زندان محکوم گردیده است. در پی بمب‌گذاری‌های پاریس، کنترل پلیسی در این شهر به اوج خود رسید. حتی برخی مطبوعات غرب، وضع پاریس را به شهری که در آن حکومت نظامی اعلام شده است تشبیه کردند.

رولان لوروا سردبیر روزنامه اومانیتیه ارکان حزب کمونیست فرانسه در یک مصاحبه مطبوعاتی که در آستانه برگزاری جشن مطبوعاتی این روزنامه

اعلامیه جبهه "مانوئل رودریگز" درباره تروریسم

پرسنل شافل و بیشین نیروهای مسلح شیلی، آمده است در ساعت ۱۸ و ۴۰ دقیقه یکشنبه ۷ سپتامبر، سه واحد از نیروهای جبهه، شامل ۲۵ نفر، برای کاروان پینوشه و همراهان او کمین گذاشتند و محافظان دیکتاتور را غافل‌گیر کردند. به دنبال ۱۰ دقیقه زدو خورد، چریک‌ها در حالی که خود را به عنوان همراهان پینوشه معرفی می‌کردند، عقب‌نشینی را آغاز نمودند. چریک‌ها چنین عقب‌نشینی چندین بار از کنار اتومبیل‌های ارتش، پلیس و نیروهای امنیتی رد شدند و حتی با سلام نظامی از آنها استقبال شد. همه شرکت‌کنندگان در عملیات، سالم به پایگاه‌های خود بازگشتند.



جبهه مانوئل رودریگز با توجه به جنایات بی‌شمار پینوشه، اقدام برای قتل او را کاملاً موجه و مشروع دانسته است. این جبهه از پرسنل نیروهای مسلح خواسته است حساب خود را از پینوشه جدا کنند تا مشمول مجازات از جانب خلق نگردند. "جبهه میهنی مانوئل رودریگز" همچنین اعلام داشت همه اعضای این سازمان در شیلی به سر می‌برند و هیچ یک بازداشت نشده‌اند. اسلحه جبهه، تماماً در داخل کشور تهیه می‌شود. رژیم پینوشه مدعی شده بود سلاح‌هایی را که گویا از خارج برای چریک‌ها ارسال شده بود، کشف کرده است.

سه تن از اعضای جبهه میهنی مانوئل رودریگز همان‌گونه که در شماره پیش "اکتریت" به اطلاع خوانندگان رساندیم، "جبهه میهنی مانوئل رودریگز" مسئولیت ترور نافرجام ژنرال پینوشه دیکتاتور شیلی را به عهده گرفت. این جبهه طی اعلامیه‌ای، جزئیات این عملیات را منتشر ساخته است.

در اعلامیه مزبور، ضمن معرفی جبهه مانوئل رودریگز، به عنوان سازمانی متشکل از

اعلامیه حزب کمونیست ترکیه

محاکمه اعضای حزب کمونیست ترکیه در آنکارا، ۲۸۸ میهن‌پرست به ۱۶۲۰ سال زندان محکوم شدند. طبق اعلامیه حزب کمونیست ترکیه، ماه گذشته محاکمه‌ای علیه اعضای حزب که در سال ۱۹۸۲ آغاز شده بود، پایان یافت. ۷۵۰ تن به زندان‌های تا ۱۵ سال محکوم شدند.

حزب کمونیست ترکیه در اعلامیه خود می‌افزاید برای پیشبرد مبارزه جهت احیای دمکراسی در ترکیه، آزادی زندانیان سیاسی و پایان بخشیدن به محاکمات سیاسی ضروری است.

به مناسبت شصین سالگرد کودتای آمریکایی در ترکیه، حزب کمونیست ترکیه در اعلامیه‌ای شه‌ای از کارنامه سیاه رژیم نظامی در این کشور را برشمرده است. حزب کمونیست ترکیه در اعلامیه خود خاطر نشان می‌سازد رفیق خیرالله اوغلو، عضو کمیته مرکزی حزب و جمعی دیگر از اعضا و هواداران حزب توسط دژ خیمان رژیم در برابر شکنجه جان باخته‌اند. در محاکمات علیه اعضای حزب کمونیست ترکیه، تنها وابستگی به حزب برای تنظیم کیفرخواست علیه متهمین مهنا قرار می‌گیرد. در ماه مارس ۱۹۸۵ طی

جنگ ایران و عراق در مطبوعات غرب

آنکه نامخت از گذشت روزگار

شش سال پس از آغاز جنگ ایران و عراق، جنگی که بیش از جنگ جهانی دوم به طول انجامیده است، مطبوعات و رسانه‌های گروهی امپریالیستی، درباره آن به روالی خبر و گزارش منتشر می‌کنند که گویا این کشتار بزرگ ابعاد، نه بر روی زمین بلکه بر روی سیاره‌ای دور دست جریان دارد. در حالی که رسانه‌های امپریالیستی، خود مرجحات "به فراموشی سپردن" این فاجعه روزمره را فراهم آورده‌اند، از آن به عنوان "جنگ فراموش شده" نام می‌برند. خیر به خاک و خون غلتیدن هزاران تن در این سو و آن سوی جبهه‌ای به طول ۱۲۰۰ کیلومتر، فقط وقتی "ارزش" انتشار می‌یابد که بخواهند "شریان حیاتی" صدور نفت به کشورهای سرمایه‌داری رادر "خطر" نشان دهند. بدین لحاظ، نحوه گزارش‌دهی مطبوعات و رادیو تلویزیون کشورهای امپریالیستی درباره جنگ ایران و عراق، در ششمین سال این جنگ نیز که اکنون رو به پایان است، با سال‌های پیش از آن تفاوت اساسی نداشت. هنوز هم برای رسانه‌های بورژوازی غرب، آتش گرفتن یک نفت‌کش خبر بسیار "داغ" تری است تا مبارزان این بی‌آن شهر ایران و عراق.

"حمله نهایی"

از چند ماه پیش بدین سو، مطبوعات غرب در گزارش‌هایی که پیرامون جنگ ایران و عراق به چاپ می‌رسانند، با اشاره به مشکلات اقتصادی رژیم فقه‌پیش‌بینی می‌کنند در آغاز هفتمین سال جنگ، "حمله نهایی" جمهوری اسلامی علیه عراق صورت پذیرد. این مطبوعات از قول "کارشناسان" خود می‌نویسند طراحان نقشه‌های نظامی رژیم خمینی، به بصره چشم دوخته‌اند. برخی مفسرین غربی در این زمینه حتی تاحد تشویق مستقیم رژیم جمهوری اسلامی پیش می‌روند، توان رژیم فقها را پیش از آنچه هست جلوه می‌دهند. مجله آمریکایی "تایم" در شماره ۲۸ ژوئیه امسال خود از قول یک مقام وزارت خارجه آمریکا می‌نویسد، "ما اکنون گمان می‌کنیم اگر عراقی‌ها و رقیب‌های خود را خوب بازي

نکنند، ممکن است جنگ را به‌آزند. سقوط فو، ضربه روحی جدی‌ای بود. روزنامه "نیویورک تایمز" نیز در شماره ۲۲ اوت خود نوشت، "پاپییز، پیش از آن‌که بارندگی‌ها، میادین نبرد را به باتلاق تبدیل کند، یک دوره خشکی موقتی خواهد آورد. آن وقت است که ممکن است ایران تهدید خود را در انجام "حمله‌ای نهایی" علیه بصره، دومین شهر بزرگ عراق، عملی کند. اگر بصره سقوط کند، ممکن است بغداد نیز به همان ترتیب و در بی آن تسخیر شود. آن‌گاه سایه آیت‌الله خمینی سالخورده، بر فراز خلیج گسترده خواهد شد."

بدون تردید، تحلیل‌گران آمریکایی به خوبی واقفند که جنگ ایران و عراق، راه‌حل نظامی ندارد و فریب تبلیغات فقه‌ای جنگ افروز را مبنی بر این که "لشکریان اسلام" بیروزمندان از دروازه بغداد وارد این شهر خواهند شد، نخورده‌اند. پس هدف از دامن زدن به تبلیغات این چنینی چیست؟

روزنامه واشنگتن پست در ۲۲ اوت، "ابراز تکرانی" مقامات آمریکایی را از زیادت افزایش حملات ایران و عراق به کشتی‌های تجاری بازنتاب داد. این روزنامه نوشت طبق آمار نیروی دریایی آمریکا، ایران و عراق از هنگام آغاز حملات به نفت‌کش‌ها در ۲۷ مارس ۱۹۸۴، ۱۴۴ بار کشتی‌های حامل نفت را مورد حمله قرار داده‌اند. شمار نفت‌کش‌های مورد حمله قرار گرفته، در سال ۱۹۸۴ به ۴۰ فروند، در سال ۱۹۸۵ به ۴۵ فروند و در هشت ماهه نخست سال جاری به ۵۹ فروند بالغ گردید. واشنگتن پست از قول یک مقام دولت ریکان نسبت به خطر کشیده شدن کشورهای عربی خلیج فارس به جنگ، هشدار داد.

تجربه شش ساله جنگ نشان می‌دهد این قبیل "هشدار"ها و "اعلام خطر"ها چیزی نیست جز توجیهی برای افزایش مداوم حضور نظامی آمریکا در منطقه. پیوسته نیست که واشنگتن پست در همان شماره خود، از فرمانده سابق واحدهای دریایی آمریکا در خلیج فارس چنین نقل می‌کند که گویا برای "دفاع از امنیت بقیه در صفحه ۲

بناک‌باز همواره یادآوری آن توصیف ماندگار را سبب می‌شود، به لحاظی نیمه اول و به لحاظی دیگر نیمه دوم آن را.

اقلیت اکنون بیش از ۶ سال است که حضور مستقل تشکیلاتی دارد. آن زمان که اعلام موجودیت کرده بود، با خود کسانی را داشت که پیش از آن در سازمان ما، وقتی که نظر به گذشته می‌کردند، خود را در ادامه راه کسانی می‌یافتند که سرشار از عشق به مردم بودند و هیچ‌گاه به سازش با دشمن نمی‌اندیشیدند، شوق آموختن و جسارت در اندیشیدن داشتند. اکنون از آن دوران برای اقلیت سال‌های بسیاری گذشته است و اقلیت در همه این سالها "نه چیزی آموخت" و در عوض بسیار چیزها را که فراموش کرد و وانهاد.

بقیه در صفحه ۱۲

بوریون‌ها دودمانی بودند که تا پیش از انقلاب کبیر فرانسه، در این کشور سلطنت می‌کردند. آنها فریب ربع قرن پس از سقوط، بدن‌بال برافتادن امپراطوری ناپلئون بناپارت، تاج و تخت سرنگون شده را باز یافتند و خواستند همان کنند که پیش از آن می‌کردند. حال آنکه با چیزها دگرگون شده و فرانسه، انقلابی را از سرگذرانده بود. اما بورژوازی را با این حقایق کاری نبود، زیرا که در همه آن سالها "نه چیزی آموختند و نه چیزی را فراموش کردند." در بیان احوال بورژوازی این توصیف ماندگار شده است.

بی‌گمان "اقلیت" رانمی‌توان و نباید با بورژوازی مقایسه کرد. انتساب اتهام ناشایست به هیچ کس شایسته نیست. اما رفتار اقلیت

با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید!

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

اروپا	دیگر نقاط	بهای اشتراك نشریه "کار":	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۱ مارك	۱۳ مارك	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۲۱	۲۴		

اروپا	دیگر نقاط	بهای اشتراك نشریه "اکثريت":	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۲۷ مارك	۳۰ مارك	<input type="checkbox"/> شش ماهه	
۵۲	۵۸	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۱۰۲	۱۱۵		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

AKSARIYAT
NO. 125
MONDAY SEP 22, 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!